

بررسی میزان کاربرد سلاح‌های شیمیایی حزب بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران عابد اسکندری^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۳

چکیده

استفاده از سلاح‌های شیمیایی به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای بازدارندگی، مقابله و نیز اهرم فشار در دست رژیم بعث عراق علیه ایران در طول جنگ هشت‌ساله این دو کشور بوده است. در این مقاله برای پاسخ به این سؤال که «میزان کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی علیه ایران، چگونه بوده است؟» با مطالعه اسناد و کتب برجای مانده از دوران دفاع مقدس و با جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای کوشیده شده است تا توان تسلیحات شیمیایی کشور عراق در دوران دفاع مقدس، میزان تلفات شیمیایی ناشی از حملات شیمیایی حزب بعث علیه مردم ایران، نقش حقوق و مجامع بین‌المللی در کاهش و یا مقابله با این ترفند دشمن و نهایتاً آمار تلفات مردم ایران در عملیات‌های مختلف جنگ و بمباران‌های شیمیایی شهرها و روستاها مورد بررسی قرار گیرد.

حکومت عراق علیرغم حمایت‌های بین‌المللی و توان تسلیحاتی برتر، بدلیل مقاومت مردم و رزمندگان ایرانی در رسیدن به اهداف اصلی خود ناکام ماند. از این‌رو با کمک گرفتن از کشورهای غربی، استخدام دانشمندان متخصص و صرف هزینه‌های گزاف برای ساخت کارخانه‌های ساخت مواد شیمیایی، به یکی از پلیدترین ترفندهای بازدارندگی در مقابله با توان نظامی حملات ایرانی‌ها دست زد. دولت بعث عراق از مهر ماه ۱۳۵۹ تا شهریور ماه ۱۳۶۷ بیش از ۵۸۲ بار حمله‌ی شیمیایی آزمایشی، محدود، گسترده‌ی حجیم و فوق‌گسترده بر علیه رزمندگان و غیرنظامیان ایرانی انجام داد که نتیجه‌ی این حملات شهادت بیش از ۱۰ هزار نفر، مصدومیت شدید و نیازمند مداومت درمان حدود ۱۰۰ هزار نفر و مصدومیت خفیف قریب به ۲۵۰ هزار نفر بوده است.

کلیدواژه‌ها: جنگ ایران و عراق، سلاح شیمیایی، جنگ تحمیلی، جنگ‌افزار شیمیایی، صدام حسین.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه جامع امام حسین

مقدمه و بیان مسئله

جنگ ایران و عراق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جنگ‌های قرن بیستم، از مقاطع بزرگ تاریخ کشورمان است که از آن به‌عنوان "جنگ تحمیلی" و یا "دفاع مقدس" یاد می‌شود؛ مقدس از آن حیث که اهداف و آرمان‌های آن نیز مقدس بوده‌اند. مردم ایران که به تازگی از بند استبداد و استکبار رهایی یافته بودند، با هدایت و رهبری مدبرانه امام خمینی علیه‌السلام و ایستادگی و مجاهدت تاریخی خود، استقلال و آزادی را به دست آوردند که عامل سرخوردگی و شکست ابرقدرت‌های عالم گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز اختلافات سیاسی، ترورهای مختلف، اغتشاش‌ها، آشوب‌ها و حملات مختلف به مناطق کشور بخصوص استان‌های مرزی و... استکبار دلخوش به شکست زود هنگام این انقلاب و زمینه‌سازی ورود دوباره خود به این سرزمین بوده است. با شروع تهاجم حکومت صدام با اهداف مختلف از جمله نابودی نظام نوپای جمهوری اسلامی و اشغال مناطق نفتی خوزستان، حمایت همه‌جانبه نظامی و سیاسی کشورها و سازمان‌های مختلف از کشور عراق آغاز شد.

نظام نوپای ایران که در حال مبارزه با منازعات داخلی، آرایش ساختارهای سیاسی و نظامی و ساماندهی اوضاع کشور بود، هنوز آمادگی دفاع مستحکم از مرزهای خود را نداشت اما به لطف مجاهدت‌های مردم سراسر کشور با تمام توان مقابل دشمن ایستادگی کرده و یک ذره از خاک سرزمین خود را به دشمن واگذار نکرد. جنگی که به فرموده رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) «این جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران و به‌منظور واژگون ساختن نظام انقلابی ایران و از بین بردن انقلاب اسلامی سازماندهی شد.» (آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱:۱۳۶۸)

می‌توان گفت که تثبیت انقلاب اسلامی مدیون دوران دفاع مقدس می‌باشد. امام خمینی علیه‌السلام درباره این جنگ می‌فرمایند: «جنگ در عین حال که ناگوار بود و شهرهای ما را خراب کرد، ولی برکاتی داشت که اسلام به دنیا معرفی شد و اینکه چه اشخاصی و قدرت‌هایی در مقابل اسلام ایستادند و چه کسانی از اسلام می‌ترسند؛ و چه قدرت‌هایی علیه اسلام قیام کردند. همه‌ی این‌ها در جنگ معلوم شد.» (امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۶۲)

ایستادگی و رشادت‌های رزمندگان ایران هزینه‌های سنگین جانی و مالی بر آنان تحمیل کرد؛

چرا که دشمن از همه نوع تجهیزات و سلاح‌های مختلف استفاده کرده و همزمان از حمایت سایر کشورها و مجامع بین‌المللی نیز برخوردار بود. حضور جهادی و انقلابی مردم ایران در صحنه‌های نبرد، توازن نظامی جنگ را به سمت ایران برتری داد که همین باعث ترس و نگرانی حکومت صدام و حامیان وی شد. لذا با کمک گرفتن از سایر دول غربی شروع به کاربرد سلاح‌های شیمیایی به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر نیروهای ایرانی کرده است. حکومت عراق که دیگر توان مقابله با حملات رزمندگان را نداشت از انواع سلاح‌های شیمیایی برای مهار آنان استفاده کرد و حتی این حملات شیمیایی را به بمباران روستاها و شهرها هم کشاند. استفاده از سلاح‌های شیمیایی مغایر دستورات اسلام است و به فرموده امام خمینی علیه السلام «اگر ما نیز سلاح شیمیایی تولید کنیم، آنگاه چه تفاوتی بین ما و صدام خواهد بود؟!» (رفیق دوست، ۱۳۹۳)

حملات شیمیایی عراق در اوایل جنگ به‌طور آزمایشی، در ادامه جنگ محدود و در نهایت به‌طور گسترده و پر حجم انجام شد و از سال چهارم جنگ به بعد، علاوه بر مناطق نظامی، مناطق غیرنظامی و شهروندان ایران و کُرد عراق نیز هدف حملات شیمیایی قرار گرفتند. (سردار نیکخواه بهرامی، ۱۳۹۶)

این مقاله با هدف بررسی توان شیمیایی عراق در طول دوران دفاع مقدس، میزان استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط عراق، میزان تلفات این حملات، حامیان حکومت عراق و نقش مجامع بین‌المللی تدوین گردیده و در قالب این سؤال که «میزان کاربرد سلاح‌های شیمیایی حزب بعث در جنگ تحمیلی، چگونه بوده است؟» به بررسی این مقوله می‌پردازد. همچنین تاریخچه استفاده از سلاح‌های شیمیایی، گروه‌های مورد هدف حملات شیمیایی و اقدامات بین‌المللی در مقابله با بکارگیری سلاح‌های شیمیایی بررسی خواهد شد.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش اسنادی استفاده شده است و تمرکز اصلی بر کتب، اسناد و آثار دوران دفاع مقدس می‌باشد.

ادبیات نظری تحقیق

پیشینه تحقیق

بعضی از تحقیقات و مقالاتی که در خصوص بررسی کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق علیه ایران صورت گرفته است به شرح زیر می‌باشند:

ردیف	سال تحقیق	عنوان	پژوهشگر	مجله/فصلنامه
۱	۱۳۹۵	مقاله کاربرد تسلیحات شیمیایی در جنگ ایران و عراق از منظر حقوق بین‌الملل کیفری	مدرس سبزواری، ساسان و شریفی، حسین	فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۲
۲	۱۳۸۴	مقاله رونوشت شیمیایی تجاوز، بررسی کاربرد تسلیحات شیمیایی از سوی عراق	یکتا، حسین	ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی معاصر ایران، سال چهارم، شماره ۳۶
۳	۱۳۹۷	مقاله تأملی بر جرم‌انگاری استفاده از سلاح‌های شیمیایی و صلاحیت زمانی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به این جنایت با نگاهی به جنگ عراق و ایران	عبدالمالکی، مهدی و زمانی، سید قاسم	مجله پژوهش‌های حقوق و جزا و جرم‌شناسی، بهار و تابستان ۱۳۹۷، شماره ۱۱
۴	۱۳۹۵	مقاله تأملی بر احقاق حقوق قربانیان سلاح-های شیمیایی در پرتو صلاحیت مدنی جهانی: با تأکید بر قربانیان ایرانی کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق علیه ایران.	نژندی‌منش، هیبت‌اله	مجله پژوهش حقوق عمومی، بهار ۱۳۹۵، شماره ۵۰ علمی-پژوهشی

تعریف مفاهیم

جنگ: جنگ از نظر لغوی به معنای نبرد، جدال و قتال، رزم، کارزار، ستیزه، برآورد، حرب، زد و خورد و پیکار میان چند نفر و یا میان سپاهیان چند کشور است. از نظر اصطلاحی جنگ

درگیری مسلحانه‌ای است میان دو یا چند کشور که جهت تحقق اهداف سیاسی و یا نظامی خود، پس از بی‌نتیجه بودن مذاکرات و مساعدت‌های دیپلماسی، با بکارگیری تمام توان نظامی طرفین مخاصمه از راه زمین، دریا و هوا برای پیروزی صورت می‌گیرد.

جنگ تحمیلی: جنگی است که حزب بعث کشور عراق به پشتوانه قدرت‌های استکبار جهانی برای مدت هشت سال از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ بر جمهوری اسلامی تحمیل کرد و در پایان بر اثر ایستادگی و رشادت‌های ملت ایران منجر به پیروزی رزمندگان اسلام شد. امام خمینی علیه‌السلام به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران و فرماندهی کل قوا از آن با عنوان دفاع مقدس یاد کرده‌اند.

سلاح شیمیایی: ابزار یا موادی که به وسیله آن‌ها انسان‌ها و یا موجودات زنده را هدف قرار می‌دهند. در اثر تماس مستقیم این مواد با هر قسمت از بدن جاندار، بدن وی آلوده شده و جاندار به انواع بیماری‌های عمومی و یا انحصاری آن ماده مبتلا می‌شود. عوامل شیمیایی ترکیباتی هستند که در صورت کاربرد مؤثر علیه انسان، حیوان یا گیاه، منجر به مرگ یا ضایعات قابل توجه دائمی یا موقتی در ساختار اندامی آن‌ها می‌گردند.

از نظر نظامی جنگ‌افزارهای شیمیایی به شش گروه سمی و کشنده، ناتوان‌کننده، دودزا، آتش‌زا، استفاده برای کنترل اغتشاش‌ها و ضد گیاه و شعله‌ها تقسیم می‌شوند.

ادبیات تحقیق

تاریخچه استفاده از سلاح شیمیایی

تاریخچه استفاده از مواد تولید شده شیمیایی، میکروبی و بیولوژیکی بر علیه نیروهای انسانی و منابع غذایی سابقه‌ای هزاران ساله داشته و به دوران پیش از میلاد مسیح باز می‌گردد. اقوام مختلف برای تخریب روحیه دشمن و شکست سریع‌تر آنان، از هر وسیله‌ی ممکن، مطابق با دانش و پیشرفت فنون عصر خویش، استفاده می‌کردند. یونانیان در جنگ‌های داخلی و خارجی، به‌ویژه با ایرانیان، از نوعی مواد آتش‌زا، با اشتعال ناقص گوگرد و زغال استفاده می‌کردند که به مسمومیت افراد منجر می‌شد. در جنگ‌های پیش از میلاد نیز رومی‌ها جنازه متعفن حیوانات و اجساد قربانیان جنگ را که ناقل انواع بیماری‌ها چون طاعون و تیفوس بودند، با منجنیق به میان

اردوگاه دشمن خود پرتاب می کردند یا آن‌ها را در چاه‌ها، رودخانه‌ها و سرچشمه‌های مورد استفاده دشمن می انداختند.

❖ اسپارتان‌ها در جنگ پله پونز (سال‌های ۴۳۱ تا ۴۰۴ پیش از میلاد) از اسیدهای گوگردی (از جمله دی‌اکسید سولفور) استفاده می کردند.

❖ سال ۱۳۴۶ م قوم تارتار در شهر کافا (Feodissia نام امروزی) با پرتاب کردن اجساد مردگان ناشی از طاعون، توانستند مقاومت شهر را از بین ببرند.

❖ در جنگ‌های صلیبی، چاه‌ها را با لاشه انسان‌ها و حیواناتی که در جریان بیماری واگیردار مرده بودند، آلوده می کردند.

❖ سال ۱۴۵۳ م ترکان عثمانی در حمله به قسطنطنیه، گودال‌هایی حفر کردند، ولی مدافعان شهر در همان گودال‌ها دود گوگرد پخش کردند که باعث خفگی نیروهای ترک شد.

❖ سال ۱۴۵۶ م در حمله ترک‌ها به نواحی بلغراد، مردم آن منطقه بر روی موش‌ها پودر کشنده‌ای ریختند، سپس آن‌ها را آتش زده و به سوی مهاجمان پرتاب می کردند.

❖ سال ۱۷۱۰ م مهاجمان روس مانند روش قوم تارتار برای به زانو در آوردن لشکر سوئد، از میکروب طاعون استفاده کردند.

❖ استفاده از چنین جنگ‌افزارهایی گاهی بی‌سر و صدا تر و گاهاً پنهانی صورت می گرفت. به عنوان مثال سال ۱۷۶۳ م انگلیسی‌ها پس از مصون کردن خود نسبت به بیماری آبله با واکسیناسیون، ملافه‌ها و پتوهای بیماران مبتلا به ویروس آبله را برای رهبران متخاصم سرخپوستان شمال آمریکا در «اوه‌ایو» فرستادند که منجر به مرگ عده‌ای از سرخپوستان شد.

❖ سال ۱۷۹۷ م ناپلئون بناپارت در جنگ با ایتالیا تلاش کرد تا بیماری تب مرداب را به سربازان ایتالیایی سرایت دهد.

- ❖ در نبرد بوئر (boer war) (۱۸۸۹ - ۱۹۰۲ م) بین انگلستان و بوئرها (مهاجرین هلندی ساکن آفریقای جنوبی) ارتش انگلستان از توپ‌های حاوی اسید پیکریک استفاده کرد که اثر تهوع‌زا داشت و موجب خفگی می‌شد.
- ❖ آلمانی‌ها در اکتبر ۱۹۱۴ م از گلوله‌های حاوی گاز اشک‌آور در نوشاپل بر علیه فرانسوی‌ها استفاده کردند. نازی‌ها همچنین گاز کلر را نخستین بار در سال ۱۹۱۵ م در پیرس بلژیک، علیه سربازان مستعمراتی فرانسه و پیاده نظام کانادایی، که هیچ ماسکی برای حفاظت از خود نداشتند، به کار بردند.
- ❖ در طول جنگ جهانی اول^۱ مجموعاً ۱۲۴۲۰۰ تن مواد شیمیایی مورد استفاده قرار گرفت که در اثر آن حداقل ۹۰,۰۰۰ نفر کشته و نزدیک ۱,۰۰۰,۰۰۰ نفر هم مجروح شدند؛ البته جدا از اثرات دراز مدتی که این مواد شیمیایی بر بدن انسان‌ها و نسل‌های آینده گذاشته است.
- ❖ سال ۱۹۱۵، در طی جنگ جهانی اول، آلمان‌ها به کاربرد عامل بیماری وبا در ایتالیا و طاعون در پترزبورگ روسیه متهم شدند. انگلیسی‌ها نیز ادعا نمودند که آلمان‌ها در طول جنگ از بمب‌های حاوی طاعون استفاده نمودند و فرانسوی‌ها مدعی بودند که آلمان‌ها عروسک‌ها و آب‌نبات‌های آلوده به عوامل میکروبی را بر روی رومانی ریختند.
- ❖ سال ۱۹۲۵ در کنفرانس خلع سلاح ژنو، پروتکلی به امضاء غالب کشورهای جهان در آمد که در آن کاربرد سلاح شیمیایی و بیولوژیکی منع شد. علیرغم تهیه این پروتکل اعضا امضاء کننده زیاد برای آن اهمیتی قائل نشدند؛ به گونه‌ای که سال ۱۹۳۵ خردل ازتی توسط آلمان‌ها سنتز شد، سال ۱۹۳۵ ایتالیا در حمله به اتیوپی به‌طور وسیع از گاز خردل و فسژن بهره جست و سال ۱۹۳۷ ژاپن در عملیات جنگی خود علیه چین از گازهای خردل و لویزیت استفاده کرد.

^۱ جنگ جهانی اول از ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ تا ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ میلادی، مرداد ۱۲۹۳ تا آبان ۱۲۹۷

- ❖ با آغاز جنگ جهانی دوم^۱ تحقیق و تولید عوامل شیمیایی و بیولوژیک همچنان ادامه یافت و انبارهای بزرگی از سموم مختلف جنگی در کشورها ذخیره شد. ارتش‌های دنیا از نظر حفاظتی نواقص خود را اصلاح نموده و همه آماده یک جنگ شیمیایی بودند. آلمانی‌ها نیز موفقیت جدیدی در دستیابی به گازهای اعصاب از جمله تابون، سارین و سومان که هر کدام از قبلی خطرناک‌تر بوده، بدست آوردند. در این مدت هنوز هیچ کشوری شناختی از سلاح جدید اعصاب نداشت. پس از اشغال آلمان، مشخص شد که آلمان دارای سلاح جدید شیمیایی می‌باشد.
- ❖ علی‌رغم اینکه گازهای اعصاب تا خاتمه جنگ تنها در اختیار ارتش آلمان بود، ولی ترس از استفاده سایر کشورها و مقابله به مثل متفقین، باعث شد تا در طول جنگ جهانی دوم موارد استفاده از این سلاح مشاهده نشود.
- ❖ در جریان جنگ جهانی دوم اتاق‌های گاز آلمانی‌ها فعالیت می‌کردند. در ۱۴ ژوئیه ۱۹۴۲ اجازه صادر شد تا در برخی اردوگاه‌ها از زندانیان برای آزمایش عوامل شیمیایی استفاده کنند. تا پایان جنگ حدود ۵/۵ میلیون زندانی بر اثر به کارگیری انواع عوامل سمی به وسیله شرکت آلمانی دگش مسموم شدند.
- ❖ علیرغم تأکیدهای مجدد و امضاء پروتکل‌های مختلف به منظور عدم تولید گازهای جنگی، پس از جنگ جهانی دوم همچنان تحقیق پیرامون انواع مختلف گازهای جنگی و روش‌های دیگر تولید آن‌ها ادامه یافت و هر روز ترکیبات جدیدتر شناسایی و تولید می‌شدند. پس از جنگ جهانی دوم عواملی همچون ایجاد نظام دوقطبی، استقلال کشورهای استعمار شده و همچنین پیشرفت علم و تکنولوژی باعث گسترش سلاح‌های شیمیایی در سطح جهانی و آغاز رقابت در تولید و انبار کردن مواد شیمیایی در بین کشورهای دنیا از جمله آمریکا شد.
- ❖ ۱۹۵۱ م انگلیسی‌ها از ماده «فتیوتوکسین» در مالایا علیه استقلال‌طلبان این سرزمین استفاده کردند.

^۱ جنگ جهانی دوم ۱ سپتامبر ۱۹۳۹ تا ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ میلادی، ۹ شهریور ۱۳۱۸ تا ۱۱ شهریور ۱۳۲۴ شمسی

- ❖ در جنگ ویتنام^۱ آمریکایی‌ها به صورت گسترده‌ای از عوامل ضد گیاه به مقدار بیش از ۵۰،۰۰۰ تن استفاده کردند که در واقع اولین کاربرد آن در جنگ‌های دنیا به شمار می‌رفت و باعث از بین رفتن محصولات غذایی، نابودی جنگل‌ها و در نتیجه گرسنگی ویت‌کنگ‌ها می‌شد. این مواد شیمیایی آثار ژنتیکی منفی بسیاری روی چندین نسل از مردم ویتنام گذاشت.
- ❖ سال ۱۹۶۵ م کشور مصر در جنگ با یمن از گاز خردل استفاده کرد که تا سال‌ها پس از آن به طور بین‌المللی شناخته نشد.
- ❖ سال ۱۹۶۶ آمریکا چندین مورد بمب‌های حاوی گاز BZ را به صورت آزمایشی در ویتنام، کامبوج و لائوس به کار گرفت. بخش عمده‌ای از این مواد را آلمان‌ها در اختیار آمریکایی‌ها قرار دادند. تحت تأثیر این ماده مهلک دی‌اکسین‌دار، پس از ده‌ها سال هنوز در ویتنام بچه‌های معلول به دنیا می‌آیند.
- ❖ سال ۱۹۷۹ م ارتش شوروی، در اشغال افغانستان از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد.
- ❖ سال ۱۹۸۲ م رژیم اشغالگر قدس، از عامل بیولوژیکی علیه دختران خردسال فلسطین استفاده کرد.
- ❖ سال ۱۹۸۳ م رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی از یک نوع ماده سمی علیه نیروهای سواپو در نامیبیا بهره گرفت.

انواع سلاح‌های شیمیایی

بمب‌های شیمیایی در سه نوع جامد، مایع و گاز وجود دارند:

- ❖ حالت جامد: در ارتفاعات و در مناطق برفی استفاده می‌شوند. با آب شدن برف در آن حل شده و پایین می‌آیند و باعث مسمومیت افراد زیادی می‌شوند.

^۱ جنگ ویتنام از ۱ نوامبر ۱۹۵۵ تا ۳۰ آوریل ۱۹۷۵

❖ حالت مایع: از بمب‌های حالت مایع برای حل کردن در آب رودخانه‌ها و منابع استفاده می‌شود.

❖ حالت گاز: کاربرد بیشتری دارند و در مناطق مختلف، بخصوص مکان‌های وسیع و باز استفاده می‌شود.

سلاح‌های شیمیایی متناسب با اثری که بر بدن افراد می‌گذارند، به سه دسته تقسیم‌بندی می‌شوند:

❖ دسته اول سلاح‌هایی که اثرات آنان روی پوست افراد می‌باشد: مانند گاز خردل، گوگرد و خردل نیتروژن.

❖ دسته دوم سلاح‌هایی که اثرات آنان روی سیستم عصبی بدن می‌باشد: مانند گاز سارین.

❖ دسته سوم سلاح‌هایی که اثرات آنان روی سیستم تنفس بدن افراد می‌باشد: مانند گاز کلرین، فسفوژن، فسفوکلرین.

قراردادها و معاهدات بین‌المللی در زمینه سلاح‌های شیمیایی

نخستین قرارداد بین‌المللی محدودسازی استفاده از سلاح‌های شیمیایی سال ۱۶۷۵ م مابین کشورهای فرانسه و آلمان در شهر استراسبورگ فرانسه تهیه شد. در این موافقتنامه دو کشور درباره ممنوعیت کاربرد گلوله‌های سمی به توافق رسیدند.

سال ۱۸۶۶ م روس‌ها گلوله‌ای ساختند که در برخورد با هر جسم سخت و ارتقاء آن در سال بعد، با برخورد با هر جسم نرم نیز بخش محترقه آن خرابی بسیاری به وجود می‌آورد. مکانیزم ساده‌ی ساخت و کاربرد آن، خود روس‌ها را به این فکر انداخت که از این گوله‌ها در جنگ استفاده نگرند. در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۸۶۸ م به ابتکار تزار روسیه کنفرانسی در شهر سن پترزبورگ تشکیل شد که قطعنامه آن به «اعلامیه سن پترزبورگ» معروف گردید. در این اعلامیه استفاده از برخی ابزارهای جنگی را که رنج و آزاری بی‌نتیجه و بیهوده به بار می‌آورد، منع شد. با پذیرش این اعلامیه که مؤید حقوق عرفی نیز بوده است، کاربرد پرتاب شونده‌های دارای ماهیت

خسارت زیاد منع گردید. این اعلامیه برای منع کاربرد پرتاب شونده‌های انفجاری زیر ۴۰۰ گرم^۱ در زمان جنگ تنظیم شد.

چند سال بعد و در سال ۱۸۷۴ م «کنوانسیون بروکسل» درباره حقوق و قوانین جنگ، کاربرد سموم یا سلاح‌های سمی و نیز سلاح‌ها، پرتابه‌ها و موادی را که باعث مصدومیت و رنج غیرمعمول می‌شود، ممنوع اعلام کرد.

اواخر قرن نوزدهم، سال ۱۸۹۹ م به پیشنهاد نیکلای دوم، امپراتور روسیه، نخستین کنفرانس معروف به کنفرانس صلح در شهر لاهه (هلند) تشکیل شد و منجر به امضای موافقت‌نامه‌ای در ممنوعیت استفاده از پرتابه‌های جنگی محتوی گازهای سمی شد. در دومین کنفرانس لاهه که سال ۱۹۰۷ و به دعوت امپراتور روسیه در شهر لاهه با شرکت ۴۵ کشور جهان تشکیل شد؛ در این کنفرانس بر محدودیت کشورهای در حال جنگ برای به کارگیری لوازم و امکانات مختلف برای صدمه رساندن به دشمن تأکید شد.

در این کنوانسیون، منع قبلی استفاده از سلاح‌های سمی در جنگ تأیید شد. در ماده ۲۳ بندهای (الف) و (ر) این کنوانسیون در مورد جنگ‌های زمینی تصریح شده که حق هر دو طرف متخاصم در به کارگیری وسایلی که به دشمن صدمه بزنند، نامحدود نیست و به کارگیری جنگ‌افزارها و پرتاب کننده‌ها با هدف ایجاد آسیب غیرعقلایی به‌ویژه استفاده از سم یا جنگ-افزارهای سمی ممنوع است.

در ماده ۳ این معاهده آمده است: «در صورتی که دشمن مقررات کنفرانس را نقض کند به حسب مورد موظف به پرداخت غرامت است.» دو نقدی که بر معاهده این کنوانسیون وارد بود یکی عدم قید نام مرجع تعیین کننده غرامت یا مرجعی که وظیفه تعیین نوع و مقدار غرامت و دریافت آن را داشته باشد؛ و دیگری عدم اشاره‌ی صریح به منع تولید، انباشت و ذخیره مواد شیمیایی و سمی و انتقال تکنولوژی آن می‌باشد؛ که به‌طور کمرنگ به موضوع کاربرد آن‌ها اشاره

^۱ گلوله‌های انفجاری؛ گلوله‌هایی با وزن کمتر از ۴۰۰ گرم با پوششی سخت اما به شکلی که هسته را کاملاً نمی‌پوشاند یا با پوششی دارای شکاف، همچنین پرتاب شونده‌هایی که دارای مواد ترکیب‌نی صدا دار آتش زا بوده و باعث ایجاد زخم‌های موخ می‌گردید.

شده بود؛ اما این اشاره کوتاه مانع از کاربرد جنگ‌افزارهای شیمیایی در جنگ جهانی اول نگردید و همین موضوع، ضعف و کاربردی نبودن کنفرانس ۱۹۰۷ لاهه را به اثبات رساند.

با وجود توافقنامه‌های بین‌المللی ذکر شده، میزان تلفات ناشی از سلاح‌های شیمیایی در جنگ جهانی اول به اندازه‌ای بود که همگان نسبت به خطرات چنین سلاح‌هایی به شدت ابراز نگرانی کرده و همین باعث شد پس از جنگ، کشورهای پیروز در ماده ۷۰ معاهده ورسای (۱۹۱۹ میلادی) بندی را با عنوان "ممنوعیت هرگونه استفاده از گازهای خفه‌کننده سمی و سایر گازها و تمام مایعات مشابه و مشتقات آنها" را تصویب کنند.

از جمله ایرادات اعلامیه کنفرانس‌های دوگانه صلح لاهه و رژیم ممنوعیت ناشی از آنها، نبودن تعریف دقیقی از مواد و سلاح‌های شیمیایی بود. در ادامه ثابت شد که مقررات کنفرانس لاهه در ارتباط با منع و محدودیت عملی سلاح‌های شیمیایی بسیار گنگ و مبهم است و عامل سوء استفاده از این مواد، سوء برداشت از قطعنامه‌هاست؛ به‌عنوان مثال فرانسه گازهای اشک‌آور را از جمله گازهای خفه‌کننده و آسیب‌رسان محسوب نمی‌کرد؛ یا آلمان‌ها در جریان جنگ جهانی اول گاز کلر را به وسیله سیلندرهایی به جبهه‌های نبرد حمل و در آنجا انتشار دادند و مدعی بودند که تخلفی از مقررات کنوانسیون و اعلامیه کنفرانس‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه نشده است؛ چرا که در این اسناد استفاده از گلوله‌های منتشرکننده گازهای خفه‌کننده ممنوع شده است.

از دیگر ایرادات این کنفرانس‌ها، نبود مقررات مخصوص بازرسی کشورها و هم‌چنین رعایت نکردن تضمین و تنبیه روشنی در مفاد کنفرانس‌ها بود.

حملات وسیع و تلفات بالای سلاح‌های شیمیایی بکار گرفته شده در جنگ جهانی اول همراه با اثرات غیر انسانی و متعاقب آن واکنش کشورهای جهان، منجر به انعقاد یکی از معروف‌ترین معاهدات بین‌المللی در خصوص کاربرد سلاح‌های شیمیایی یعنی «پروتکل ۱۹۲۵ ژنو» شد که در آن کاربرد گازهای خفه‌کننده، سمی یا سایر گازها و نیز شیوه‌های جنگ میکروبی ممنوع شد.

در مقدمه پروتکل ۱۹۲۵ ژنو اشاره شده که «استفاده از گازهای خفه‌کننده و سمی و هم‌چنین

تمامی مایعات و مواد و تجهیزات مشابه، از سوی وجدان عمومی جهان متمدن محکوم شده و برخی از قدرت‌های بزرگ نیز در جنگ‌های میان خود، استفاده از این گازها و تجهیزات را ممنوع کرده‌اند و این ممنوعیت باید به نحو فراگیر در حقوق بین‌الملل پذیرفته شود... بر این اساس، دولت‌های متعهد اعلام کرده‌اند که ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی را، به موجب پروتکل ژنو می‌پذیرند و این ممنوعیت را به روش‌های جنگ باکتریولوژیک نیز قابل تسری می‌دانند. اکثر کشورهای جهان از جمله ایران و عراق این پروتکل را امضا کردند؛ ایران در ۹ تیر ۱۳۰۸ (۵ نوامبر ۱۹۲۹) و عراق در ۸ سپتامبر ۱۹۳۱.

پروتکل ژنو "کاربرد" سلاح‌های شیمیایی را در جنگ ممنوع اما گسترش، تولید، انباشت و مالکیت چنین سلاح‌هایی را ممنوع نمی‌کرد. در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو حق مقابله به مثل و اقدامات تلافی جویانه برای بسیاری از کشورهای عضو محفوظ ماند. تعدادی از کشورهای عضو این پروتکل اعلام داشتند که مقررات پروتکل در رابطه با عدم کاربرد سلاح‌های شیمیایی و میکروبی را فقط در مقابل کشورهایی که عضو این پروتکل باشند رعایت می‌کنند. عده‌ای دیگر هم پروتکل را با این شرط و قید امضاء کردند که کشورهای دیگر علیه آن‌ها از سلاح‌های شیمیایی استفاده نکرده باشند.

در این سند نه اثری از نظارت و بررسی اعمال و نقض پروتکل وجود دارد و نه حتی تنبیهی علیه ناقض آن؛ هیچ‌گونه ممنوعیت و یا حتی محدودیتی برای تولید، توسعه و ذخیره‌سازی سلاح‌های شیمیایی و میکروبی نیز پیش بینی نشده است.

ایرادات وارد شده بر متن این پروتکل باعث شده تا کلیه کشورهای عضو این پروتکل بتوانند بدون هیچ‌گونه محدودیتی به توسعه، تولید، نوسازی و ذخیره‌سازی انواع سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی بپردازند و بخش اعظمی از سرمایه‌گذاری‌های خود را در امر تحقیقات سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و کشف جنگ‌افزارهای جدید با اثرات کشنده‌تر بگذارند. وجود این پروتکل چه از نظر حقوقی و چه از نظر سیاسی نتوانست بروز جنگ شیمیایی را محو کرده و از بین ببرد. بکارگیری جنگ‌افزارهای شیمیایی توسط نیروهای ایتالیایی در اتیوپی، ژاپنی‌ها علیه چینی‌ها و استفاده نیروهای مسلح السالوادر، در ناحیه غرب السالوادر از عوامل میکروبی به صورت بمب،

نمونه‌هایی براین مدعاست.

پس از تصویب پروتکل ژنو بسیاری از کشورها از توسل به این سلاح‌ها امتناع ورزیدند، اما نه بخاطر الزامات حقوقی، بلکه به دلیل تنفر و انزجار مردم جهان از این سلاح‌ها. اثرات معنوی و اخلاقی پروتکل و ترس از اقدام مقابله به مثل کشورها نیز موجب این بازدارندگی استفاده از سلاح‌های شیمیایی می‌شد.

از دیگر ایرادات پروتکل «ژنو» عدم وضع قاعده‌ای در زمینه الزام پیوستن کشورها به آن بود. ممنوعیت قید شده در این پروتکل مخصوص کشورهای عضو بود و کشورهای غیر عضو را در بر نمی‌گرفت. هنگام کاربرد سلاح‌های شیمیایی بین دو کشور عضو و غیر عضو پروتکل، چگونگی برخورد با متخلف (کشور غیر عضو) پیش بینی نشده بود.

سال ۱۹۷۱ در راستای برطرف کردن نواقصات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، کمیته خلع سلاح سازمان ملل (که بعدها به کنفرانس خلع سلاح تبدیل شد) متن نهایی کنوانسیون منع توسعه، تولید و انباشت و کاربرد سلاح‌های بیولوژیک (میکروبی) که به کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک (BWC) معروف است را آماده کرد.

مذاکرات مربوط به تهیه متن کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی به صورت جدی آغاز شد و بعد از مدت‌ها مذاکرات فشرده در «کنفرانس خلع سلاح»، سرانجام متن نهایی کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی در سال ۱۹۹۲ آماده و مورد توافق اعضاء واقع شد. کنوانسیون بین‌المللی منع جنگ‌افزارهای شیمیایی (Chemical Weapons Convention) مهم‌ترین معاهده بین‌المللی منع تولید، انباشت و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و جنگ‌افزارهای شیمیایی است که در تاریخ ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ میلادی در پاریس و نیویورک به تصویب نمایندگان ۱۶۵ کشور عضو سازمان ملل متحد رسید و از تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ میلادی، لازم‌الاجرا شد. ضامن اجرای کنوانسیون بین‌المللی منع جنگ‌افزارهای شیمیایی، سازمان منع سلاح‌های شیمیایی (OPCW) یا همان (Organisation for the Prohibition of Chemical Weapons) است که در سال ۱۹۹۷ میلادی و با لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون منع تسلیحات شیمیایی ایجاد شد. مقر این سازمان در شهر لاهه هلند واقع شده و تشکیلات آن تحت نظر دولت‌های امضاءکننده کنوانسیون منع تسلیحات شیمیایی

اداره می‌شود. تا سپتامبر ۲۰۱۳ میلادی ۱۹۰ کشور به کنوانسیون بین‌المللی منع جنگ‌افزارهای شیمیایی پیوستند.

سیر استفاده حکومت صدام از سلاح‌های شیمیایی

توان رزمی کشور عراق در ابتدای جنگ با ایران، مبتنی بر استراتژی زمین پایه بود؛ به گونه‌ای که از ارتش ۲۳۲ هزار نفری عراق، اغلب آنان (۲۰۲۰۰۰ نفر) در نیروی زمینی ارتش نقش ستون فقرات آن را داشتند.

عراق در اوایل دهه ۱۹۷۰ فعالیت‌های تحقیقاتی خود را در ارتباط با توسعه سلاح‌های شیمیایی آغاز کرد؛ اما مطابق اعلام مقامات دولت این کشور، فعالیت‌های گسترده رژیم بعث در ارتباط با تولید سلاح‌های شیمیایی در مقیاس صنعتی، تأمین و تولید مواد اولیه و همچنین اجزاء و تجهیزات مرتبط با این تسلیحات، عمدتاً در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ انجام گرفت. حکومت عراق در زمان صدام حسین به طرز گسترده‌ای از سلاح‌های شیمیایی برای مقابله با مخالفان (از جمله سال ۱۹۷۴ علیه کردهای این کشور)^۱ و در جنگ با ایران استفاده کرد.

از حدود سال ۱۹۷۷ م، رژیم عراق با جمع‌آوری برخی از استادان دانشگاه و صرف بودجه لازم به جمع‌آوری اطلاعات درباره سلاح‌های شیمیایی - میکروبی و رادیواکتیو پرداخت و در هر سه زمینه، موفقیت‌هایی را به دست آورد.

اطلاعاتی که دولت عراق به بازرسان سازمان ملل متحد ارائه کرد، حکایت از آن دارد که بیش از ۵۰ درصد کل زرادخانه سلاح‌های شیمیایی این کشور در دهه ۱۹۸۰ (یعنی در حین جنگ با ایران) استفاده شده است.

عراق در سال ۱۹۸۰، توانایی چندانی برای تولید عوامل شیمیایی نداشت که با انتقال مقادیری از عوامل شیمیایی از ذخایر شوروی، همراه با خرید از کشورهای اروپایی و امریکا این ضعف را جبران کرد. سال ۱۹۸۲ قرارداد خرید تجهیزات فنی از کمپانی «دری رایخ» در آلمان غربی منعقد کرد.

^۱ جنگ دوم کردها و حکومت عراق از آوریل ۱۹۷۴ تا مارس ۱۹۷۵ به طول انجامید.

حکومت عراق از سال ۱۹۸۴م به طور گسترده از تابون استفاده کرد، اما این ماده گران و پیدا کردن مواد لازم برای ساخت آن هم سخت بود؛ لذا بیشتر به سراغ گاز وی ایکس^۱ رفت که قدرت و دوام بیشتری داشت. صدام در سال ۱۹۸۸ حدود ۴ تن از این گاز را در اختیار داشت. ماده شیمیایی که در حجم وسیع تری در دسترس عراق قرار داشت، گاز سارین بود. از سال ۱۳۶۳ ه.ش استفاده گسترده عراق از گاز اعصاب، گاز تاولزا و گازهای عامل خون آغاز شد.

در فاصله سال‌های ۱۳۶۱ تا آخر سال ۱۳۶۵، عراق سلاح‌های شیمیایی را در مقیاسی به کار گرفت که از جنگ جهانی اول به بعد بی سابقه بود. در این دوره، واحدهای شیمیایی ویژه که مسئول مراقبت، ساخت و حمل و نقل مهمات شیمیایی بودند، در تمامی یگان‌های نیروهای مسلح عراق جا افتادند. واحدهایی از نیروی زمینی و هوایی عراق مأموریت شلیک این نوع سلاح را به عهده گرفتند.

گزارش دولت انگلستان از وضعیت برنامه تسلیحاتی عراق، حکایت از آن دارد که عراق در دهه ۱۹۸۰ و در اوج فعالیت‌های تسلیحاتی خود، قادر بود انواع مختلف عوامل شیمیایی شامل عوامل تاولزا (گاز خردل) و عوامل اعصاب (گاز توبان، گاز سارین و گاز وی ایکس) را تولید نماید.

ارتش عراق در پیروی از الگوی واحدهای شیمیایی اتحاد جماهیر شوروی، به واحدهای نظامی شیمیایی خود چنان منزلت و موقعیتی بخشید که تقریباً به شکل یک ارتش رزمی مستقل درآمد. واحدها و زیر واحدهای مسئول دفاع شیمیایی، تشعشع و اکتشاف شیمیایی، تحلیل اوضاع جوی و آلودگی‌زدایی را تشکیل دادند. هر سپاه یک گردان، هر تیپ یا لشکر مستقل یک گروهان و هر هنگی یک دسته شیمیایی داشت.

رژیم بعث برای دستیابی به توان شیمیایی اقدامات زیر را انجام داد:

۱- برقراری مناسبات تجاری با کشورهای غربی به منظور خرید فن آوری، مواد و تجهیزات مربوط به جنگ افزار شیمیایی

^۱ VX نوعی ماده شیمیایی سمی و مرگبار اعصاب است.

۲- عقد قرارداد خرید تجهیزات فنی گوناگون با شرکت‌های تولیدکننده وسایل شیمیایی در

آلمان غربی

۳- خرید ترکیبات شیمیایی مربوط به تولید عوامل اعصاب از کشورهای غربی

۴- تأسیس کارخانه‌های ساخت و تولید جنگ‌افزار شیمیایی

برنامه سلاح‌های کشتار جمعی عراق به گفته دکتر حسین شهرستانی از دانشمندان هسته‌ای عراق از سال ۱۹۸۰ (۵۹) آغاز و در بخش شیمیایی در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) با کمک تعدادی از شرکت‌های آمریکایی با استفاده از گاز اعصاب و سارین توسعه یافت. ولی اقدام عراق برای کسب توانمندی (BW بیولوژیک) به نوشته دکتر گراهان پی‌یرسون، از محققان ساخت عوامل جنگ‌های بیولوژیک در دپارتمان صلح دانشگاه برادفورد انگلیس، از سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) آغاز شد. یک سال بعد در ۱۹۷۵ عراق اجرای ۷۸ پروژه تحقیق و توسعه را در مرکز آل سلمان آغاز کرد.

در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) عراق قادر به تولید انبوه عوامل میکروبی سیاه‌زخم و سم بوتولسم بود. جیمز ولسی، رئیس سابق سیا معتقد است که میکروب سیاه‌زخم در بسیاری از آزمایشگاه‌های آمریکا قابل دسترسی بود و از سوی کشورهای مختلف و از جمله عراق در دهه ۸۰ توزیع شد.

عراق تا اواخر سال ۱۳۶۴ حدود ۱۰ تن از انواع گازها را در ماه تولید می‌کرد؛ که در اواخر سال ۱۳۶۵ این ظرفیت تولید به بیش از ۵۰ تن در ماه افزایش یافت. در پایان سال ۱۳۶۷ عراق توانست بیش از ۷۰ تن گاز خردل و ۶ تن از هر یک از گازهای تابون و سارین تولید کند. توانمندی عراق در تولید گازهای شیمیایی با مشارکت و حمایت بسیاری از شرکت‌های آمریکایی، اروپایی و سایر کشورها صورت گرفت.

طبق گزارشات ارسالی به سازمان ملل پس از پایان تجاوز عراق به کویت، کشور عراق از ۱۵۰ شرکت آلمانی، آمریکایی و انگلیسی تجهیزات نظامی دریافت می‌کرد که آلمان با ۲۷ شرکت خصوصی و دولتی، آمریکا با ۲۴ و انگلیس با ۱۱ شرکت فعال بیشترین مشارکت را داشتند.

روزنامه الکترونیکی القیس از قول کارشناسان و گزارش ارسالی از عراق، آمار دیگری را ارائه کرده است. برابر این گزارش ۹۲ شرکت آلمانی، عراق را به سلاح‌های هسته‌ای مجهز کردند و در رأس تأمین کنندگان ۲۲ شرکت آمریکایی، ۲۳ شرکت انگلیسی، ۲۱ شرکت فرانسوی، ۱۸ شرکت اتریشی، ۱۱ شرکت بلژیکی، ۱۵ شرکت ایتالیایی، ۱۳ شرکت سوئیسی، ۷ شرکت اسپانیایی، ۳ شرکت ژاپنی، ۴ شرکت هندی، ۵ شرکت کره‌ای و ۳ شرکت چینی و تعدادی از شرکت‌های آرژانتینی، برزیلی، مصری، اردنی و ۴۰ شرکت روسی و اوکراینی در لیست فروشندگان سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای به عراق قرار دارند.

هدف عراق از بکارگیری سلاح‌های شیمیایی

با توجه به اینکه نقطه ثقل قدرت نظامی ایران در تهاجم به عراق شامل نیروهای پیاده و اجرای عملیات شبانه بود، لذا عراقی‌ها قادر به دفاع در برابر این تاکتیک‌ها نبودند و برای جلوگیری از پیشروی نیروهای ایرانی و ایجاد پراکندگی در میان آن‌ها از سلاح‌های شیمیایی استفاده کردند. اهداف عراق از بکارگیری سلاح‌های شیمیایی بر علیه ایران به شرح زیر می‌باشد:

- جلوگیری از پیشروی ناگهانی قوای نظامی ایران در مواضع و استحکامات عراق
- مهار پیامدهای سیاسی-استراتژیک نفوذ و پیشروی نیروهای ایرانی
- تأثیرات روحی - روانی سلاح‌های شیمیایی و آثار کاربرد آن در ایجاد پراکندگی نیروهای مقابل
- از میان بردن قدرت مقاومت یا پیشروی آن‌ها و اختلال در سازمان رزم

خدیر حمزه رئیس پیشین طرح‌های هسته‌ای عراق در مورد تأثیر این سلاح بر روی نیروهای ایران می‌گوید: «در جنگ طولانی عراق با ایران، روشن شد که به وحشت انداختن نیروهای ایران از طریق استفاده از سلاح شیمیایی، به مراتب مؤثرتر از تمام توپخانه و بمباران هوایی بود که ما می‌توانستیم بکار بگیریم.»

وزیر خزانه‌داری و تجارت خارجی رژیم عراق در نوزدهم سپتامبر ۱۹۸۴، طی مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی الانباء، در پاسخ به سؤالی در مورد استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران،

گفت: «به‌طور کلی می‌گوییم که عراق در صورت لزوم از این قبیل سلاح‌ها یقیناً استفاده خواهد کرد تا از حیثیت و شأن مردم خود و نیز از مرزهای کشورش و ملت عرب دفاع نماید.»

اقدامات نیروهای ایرانی برای مقابله با حملات شیمیایی

در سال‌های ابتدایی جنگ که ایرانی‌ها پیش‌بینی حملات شیمیایی عراقی‌ها را نمی‌کرده و هنوز آمادگی لازم برای مقابله با این حملات را نداشتند، اثرات منفی زیادی به دلیل غافلگیری بر رزمندگان ایرانی وارد آمد. با افزایش حملات شیمیایی عراقی‌ها و توسل بیشتر به این جنگ‌افزارها، ایران جهت مقابله با این حملات برای نیروهای رزمنده خود اقداماتی را تدارک دید. یگان‌های ویژه سلاح‌های شیمیایی تشکیل شد و آموزش‌های لازم ارائه شد. تمام رزمندگان قبل از ورود به جبهه و خطوط مقدم توسط یگان‌های ویژه، آموزش‌های لازم را دیدند و تجهیزاتی مانند "لباس کامل"، "ماسک محافظ" و "آپول‌ها و پودرهای ضد عوامل شیمیایی" در اختیارشان قرار می‌گرفت.

در بخش عملیات پدافندی نیز تیپ‌ها و گردان‌های مستقلی تشکیل شد؛ از جمله "تیپ ۱۱۴ حجر بن عدی از قرارگاه نوح"، "تیپ ۲۴ امام سجاد"، "تیپ ۱۱۱ والعدایات از قرارگاه کربلا"، "تیپ ۲۳ نصرت از قرارگاه نجف اشرف" و گردان‌های مستقل پدافند شیمیایی از قرارگاه رمضان، حمزه سیدالشهدا و صراط مستقیم.

یگان‌های فوق وظیفه کشف، خنثی‌سازی و رفع آلودگی در سطح مناطق عملیاتی را به عهده داشتند. استفاده از کیتها و محلول‌های شناسایی، که با تغییر رنگ میزان آلودگی و نوع آلودگی را مشخص می‌کردند، نمونه‌برداری از خاک و آزمایش بر روی تکه‌های خمپاره‌ها، بمب‌ها و راکت-ها از جمله فعالیت‌های شناسایی مناطق آلوده و تشخیص نوع عامل شیمیایی بود.

استفاده عراق از جنگ‌افزارهای شیمیایی در جنگ علیه ایران

تهاجم ارتش عراق به مرزهای جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ منجر به اشغال بخش‌های وسیعی از خاک ایران توسط این کشور در طول ماه‌های اولیه جنگ گردید که این امر ناشی از عدم آمادگی نیروهای مسلح جمهوری در آن شرایط ویژه پس از وقوع انقلاب اسلامی بود.

در سال‌های نخست جنگ، عراق با تکیه بر موانع طبیعی و سنگرهای مقاوم خود جلوی پیشروی و حملات نیروهای ایران را گرفت. با گذشت عملیات‌های ابتدایی ایرانی‌ها و نقش محوری موانع و سنگرها برای بازدارندگی نیروهای ایرانی، پس از چند عملیات، نیروهای ایرانی شروع به عملیات‌های شبانه، غافلگیری، عبور از مکان‌های صعب‌العبور و رودخانه و... کردند. در این شرایط دیگر عراق به سنگرهای ساختگی خود و نقش موانع طبیعی تکیه نکرده و شروع به استفاده از سلاح‌های شیمیایی به‌عنوان عامل بازدارنده کرد.

ایران با تجدید قوای نیروهای رزمنده و آغاز عملیات آفندی علیه ارتش عراق به تدریج سرزمین‌های اشغال‌شده خود را آزاد کرد که اوج آن آزادسازی خرمشهر طی عملیات بیت‌المقدس در خرداد ۱۳۶۱ بود. پس از این سلسله عملیات‌های نظامی موفقیت‌آمیزی توسط ایران انجام شد که ضمن کشاندن جبهه نبرد به خاک دشمن، تهدیدی جدی برای نقاط استراتژیک درون خاک عراق از جمله بندر مهم بصره و جزایر نفت‌خیز مجنون در جنوب و ارتفاعات مهم کردستان عراق به شمار می‌رفت.

در چنین شرایطی و با تغییر موازنه نظامی جنگ به سود ایران، ارتش عراق که خود را در آستانه سقوط می‌دید به کاربرد وسیع سلاح‌های شیمیایی علیه رزمندگان و مردم بی‌دفاع ایران روی آورد.

عدم پایبندی عراق به معاهدات بین‌المللی، سکوت جوامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل، ناتوانی دیپلماسی ایران در جهت تحقق اثبات مظلومیت خود و اثبات استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی همگی باعث استفاده بیشتر عراق از سلاح‌های مختلف شیمیایی بر علیه ایرانی‌ها شد و تلفات بسیار سنگینی را بر ایران تحمیل کرد.

حملات شیمیایی عراق در اوایل جنگ به‌طور آزمایشی، در ادامه جنگ محدود و در نهایت به‌طور گسترده و پرحجم انجام شد و از سال چهارم جنگ به بعد، علاوه بر مناطق نظامی، مناطق غیرنظامی و شهروندان ایران و کرد عراق نیز هدف حملات شیمیایی قرار گرفتند.

حکومت بعث عراق ضمن گسترش تدریجی استفاده از سلاح‌های شیمیایی، انواع

خطرناک‌تر و کشنده‌تر این عوامل را نیز به کار گرفت و روز به روز از مشتقات بسیار خطرناک-تری در خطوط مقدم علیه نیروها و غیرنظامیان و همچنین از عوامل تأخیری و ماندگارتر تاول‌زاها در خطوط عقبه و پشتیبانی استفاده کرد. با ادامه روند جنگ ارتش عراق با هدف افزایش قربانیان و تشدید وحشت تاکتیک حملات شیمیایی شبانه با هواپیما، بالگرد و هواپیماهای سبک را به کار گرفت.

استفاده عراق از جنگ‌افزارهای شیمیایی در جنگ علیه ایران در سه مقطع متمایز انجام شد.

مقطع اول (آغاز جنگ تا سوم خرداد ۱۳۶۱)

دوره نخست از آغاز تهاجم برق آسای ارتش عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) تا پایان مقطع آزادسازی مناطق اشغالی، به‌ویژه آزادی خرمشهر در سوم خرداد ماه سال ۱۳۶۱ بود که طی آن، نیروهای عراقی به‌طور پراکنده و برای درهم شکستن مقاومت‌های پراکنده نیروهای رزمنده ایران و هموار کردن مسیر پیشروی به داخل خاک کشور ما از سلاح‌های شیمیایی استفاده می‌کردند.

نوع عوامل شیمیایی مورد استفاده در این دوره، گازهای ساده‌ای همچون گاز اشک‌آور و گازهای موسوم به باران زرد بود که نوعی علف‌کش به حساب می‌آید.

این گازها از نظر عملیاتی، پایداری در محیط و اثر بخشی نظامی بسیار ضعیف بودند، به‌گونه‌ای که گاهی اوقات، نیروهای ایرانی متوجه قرار گرفتن در معرض این گونه حملات نمی‌شدند. طبق آمار موجود، مجموع تلفات نیروهای ایرانی در این دوره با وجود فقدان هرگونه تجهیزات حفاظتی و خنثی‌سازی، بیش از ده شهید و یک یا دو مجروح نیست.

اولین حمله شیمیایی ثبت شده توسط سازمان ملل در جنگ ایران و عراق مربوط به تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۳ برابر با ۱۳ ژانویه ۱۹۸۱ است که در منطقه‌ای بین هلاله و نی خزر واقع در ۵۰ کیلومتری غرب ایلام توسط عراق علیه نیروهای ایرانی انجام شد.

عراق در سال ۱۳۶۰ چهار بار در مناطق هویزه، ارتفاعات الله‌اکبر، پل نادری و خرمشهر اقدام به استفاده از گلوله‌های شیمیایی کرد که عمدتاً توسط توپخانه یا خمپاره‌انداز پرتاب می‌شدند.

مقطع دوم (مرداد ۱۳۶۱ تا پایان سال ۱۳۶۵)

ارتش عراق طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ در جبهه‌های غرب و میانی به صورت محدود از سلاح‌های شیمیایی استفاده نمود، اما وسیع‌ترین حملات شیمیایی را در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷ بر علیه رزمندگان و مردم غیر نظامی بکار برد. عراق در عملیات خیبر (اسفند ۶۲ در جزایر مجنون)، عملیات بدر (اسفند ۶۳ در جزایر مجنون)، عملیات والفجر ۸ (بهمن ۶۴ تا فروردین ۶۵ در فاو) کربلای ۴ و ۵ و ۸ (دی ماه ۶۵ تا فروردین ۶۶ در شرق بصره و شلمچه) از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد.

در این مقطع که عملیات‌های نفوذی ایران با هدف تنبیه متجاوز آغاز شده بود، ارتش عراق با تاکتیک‌های نظامی دفاعی در زمین، از جنگ‌افزارهای شیمیایی در نقش سلاح تدافعی استفاده کرد تا به کمک آن، عملیات‌های تهاجمی متکی به انبوه نیروهای پیاده ایران را خنثی نماید. در طول سال‌های این مقطع، ارتش عراق بیش از ۲۳۰ بار مواضع نیروها، مراکز پشتیبانی و تدارکاتی و حتی شهرها و مناطق غیرنظامی ایران را هدف حملات شیمیایی قرار داد؛ که حدود ۴۴ هزار نفر تلفات اعم از کشته و مجروح را در پی داشت.

در عملیات رمضان، مرداد ماه ۱۳۶۱، برای نخستین بار سلاح شیمیایی نقش بازدارندگی به خود گرفت و نیروهای ایران را از دستیابی به اهداف عملیاتی بازداشت. این تجربه موفق عراق در استفاده از گازهای شیمیایی برای مقابله با پیشروی سریع و غافلگیرانه نیروهای پیاده ایران در داخل خاک آن کشور، باعث ایجاد رسته جنگ‌های شیمیایی در سازمان رزم ارتش عراق شد.

به دنبال عدم فتح در عملیات رمضان، ایران در ۹ مهرماه سال ۱۳۶۱، عملیات مسلم بن عقیل در سومار؛ در ۱۰ آبان ماه سال ۱۳۶۱، عملیات محرم در ارتفاعات مرزی حمزین ایلام و در ۱۳۶۱/۱۱/۱۷ عملیات بزرگ والفجر مقدماتی را در محور چزابه فکه اجرا کرد. عراق طی این شش ماه و در واکنش به این عملیات‌ها، حدود ده بار از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی استفاده کرد.

در زمستان سال ۱۳۶۱ (۱۹۸۲ م) عراق قراردادی برای خرید تجهیزات گوناگون با یک

شرکت سازنده وسایل فنی شیمیایی در آلمان فدرال به نام «دری رایخ» منعقد کرد و برای ساخت عوامل شیمیایی پیچیده و ترکیبی، میزان درخور توجهی از مواد شیمیایی را از منابع غربی، به ویژه ایالات متحده آمریکا، انگلستان و آلمان فدرال خریداری کرد.

با پایان سال ۱۳۶۱ عراق تجربه دفع چهار عملیات کوچک و بزرگ نیروهای ایران را با استفاده از گازهای شیمیایی داشت و با گسترش محدوده کاربرد و حجم عوامل شیمیایی، مدیریت ورسته جنگ‌های شیمیایی به طور رسمی به سازمان رزم ارتش آن کشور اضافه شد.

سال ۱۳۶۲، عراق ۴۵ بار از گازهای شیمیایی در جبهه‌های مختلف جنگ استفاده کرد که چهار برابر سال ۱۳۶۱ بود. تنوع مواد شیمیایی و گستره عملیاتی حملات شیمیایی عراقی‌ها افزایش یافت و حتی مناطق غیرنظامی را نیز شامل می‌شد. هدف اصلی عراق در این مقطع از جنگ، افزایش هزینه‌های جنگ بر ایرانی‌ها، فشار بر آن‌ها و وادار کردن به پذیرش پایان جنگ بدون دستیابی به برتری نظامی در صحنه جنگ بود.

در تاریخ ۵ و ۸ آبان ۱۳۶۲ شهر بانه و روستاهای اطراف آن مورد حمله قرار گرفت که نتیجه آن ۹ نفر شهید و ۵۰ نفر مجروح بود. ۱۶ آبان حوالی پنجوین توسط هواپیما بمباران شد که به شهادت ۱۷ تن و مجروح شدن ۶۰ تن انجامید.

سال ۶۳ میزان حملات شیمیایی نسبت به سال قبل کاهش نسبی (۳۴ مورد) و تنوع مواد مورد استفاده شده بیشتر شد. عموماً این حملات در منطقه عملیاتی جنوب مخصوصاً در جزایر مجنون انجام شد و هواپیماها نقش غالبی را در پرتاب بمب‌های شیمیایی ایفا کردند. سال ۶۳ در اثر حملات شیمیایی ۱۵۹۳ نفر از نیروهای خودی مجروح و ۲۳ نفر شهید شدند. حملات متعدد به جزیره شمالی مجنون در ۶۳/۱۲/۲۳ که به شهادت ۱۹ تن و مجروح شدن ۳۵ تن انجامید و همچنین حمله به اسکله شمالی شط‌علی از شدیدترین حملات بود.

سال ۱۳۶۴ به‌رغم اینکه تعداد موارد حمله شیمیایی گزارش شده ۲۷۳ مورد بود، ۱۰ نفر از نیروهای خودی مجروح و ۳۶ نفر شهید شدند که میزان مجروحین نسبت به سال قبل از آن تقریباً ۹ برابر شد.

با شروع عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰، عراق بار دیگر استفاده از سلاح شیمیایی را تشدید کرد و در بهمن و اسفند ماه مجموعاً ۱۷ مورد عملیات آفند شیمیایی علیه نیروهای ایران گزارش شده که عموماً در منطقه فاو، آبادان و خسروآباد بوده است. وسعت تهاجمات شیمیایی رژیم عراق در بهمن ۱۳۶۴ در تاریخ جنگ‌های شیمیایی جهان بی سابقه است. با آفند والفجر ۸ در ۲۱ بهمن ۱۳۶۴ که منجر به سقوط شهر بندری فاو شد، نیروهای عراقی به کاربرد مواد سمی شیمیایی انبوه که تا آن زمان نظیر آن با چنین ابعاد گسترده‌ای دیده نشده بود، اقدام کردند. از شروع عملیات آفندی والفجر ۸ تا اواسط اسفند ۱۳۶۴ بیش از ۷ هزار گلوله توپ و خمپاره حاوی مواد سمی علیه مواضع نیروهای ایرانی شلیک شد و در طول ۲۰ روز به طور مداوم هواپیماهای عراقی بیش از ۱۰۰۰ بمب شیمیایی در صحنه عملیات والفجر ۸ فرو ریختند.

بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، که در کلیه جنگ‌ها و بر اساس اصول اولیه انسانی و قوانین بین‌المللی باید از حملات نظامی مصون باشند، نیز از حملات شیمیایی عراق مصون نماندند. رژیم عراق نه تنها این مراکز را بارها مورد بمباران و موشک‌باران قرار می‌داد، بلکه پا را فراتر نهاده و برخی از این مراکز را هدف بمباران شیمیایی قرار داد. دو نمونه از بارزترین این جنایات عبارتند از:

بمباران شیمیایی بیمارستان صحرایی حضرت فاطمه علیها السلام در آبادان (ششم و هشتم اسفند ۱۳۶۴) و بمباران شیمیایی بیمارستان صحرایی ۵۲۸ سومار (دهم دی ماه ۱۳۶۵).

حملات شیمیایی عراق در سال ۱۳۶۵ با افزایش حملات ایران در این سال افزایش یافت به طوری که موارد بمباران تقریباً دو برابر سال قبل و به ۷۹ مورد رسید و میزان حملات انجام شده در زمستان، همزمان با انجام دو عملیات مهم کربلای چهار و پنج در شرق بصره از شدت بیشتری برخوردار بود. عموماً جغرافیای مناطق بمباران شده نشان می‌داد که مناطق مورد بمباران در این سال تابعی از مناطق عملیاتی ایران است، به طوری که در فروردین ماه همزمان با ادامه عملیات کربلای ۸ محور فاو عموماً مورد حمله قرار گرفت و در اردیبهشت و خرداد منطقه مهران و حاج‌آباد در جبهه‌های میانی، در شهریور ماه منطقه عملیاتی کربلای ۲ و محور عمومی حاج‌عمران و همچنین محورهای عملیاتی کربلای ۴ در جزیره مینو، خرمشهر و آبادان مورد حمله شیمیایی واقع شده

است. با توجه به عملیات ارتش (کربلای ۶) در محور سومار این منطقه نیز مورد بمباران قرار گرفت و در بهمن و اسفند نیز همزمان با کربلای پنجم در شلمچه و شرق بصره عمدتاً این محور بمباران شیمیایی گردید.

مقطع سوم (ابتدای سال ۱۳۶۶ تا پایان جنگ)

مقطع سوم جنگ شیمیایی بین عراق و ایران از آغاز سال ۱۳۶۶ شروع شد و تا پایان جنگ و پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ و حتی پس از آن تا تابستان سال ۱۳۶۷ ادامه یافت. در این مقطع حملات شیمیایی عراق بی‌وقفه ادامه یافت و در بیش‌تر موارد توأم با بمب‌باران‌ها و گلوله‌باران‌های انفجاری بود تا تأثیرات و صدمات سلاح‌های شیمیایی را چند برابر کند. در سال‌های پایانی جنگ حکومت عراق علاوه بر حملات شیمیایی به شهرها و روستاهای نزدیک مرز، با راه‌اندازی عملیات روانی به قصد تشدید فشار بر مسئولان کشور، شهرهای بزرگ و مراکز استان‌های ایران را تهدید به بمب‌باران و موشک‌باران شیمیایی کرد؛ تهدیدی که اجرای آن دور از انتظار نبود و در پذیرش قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ از جانب ایران مؤثر بود.

روستاهای اطراف شهر بانه (فروردین ۶۶)، بمباران شهر سردشت (تیر ماه ۱۳۶۶)، عملیات والفجر ۱۰ (اسفند ۶۶ و فروردین ۶۷ در کردستان عراق - حلبچه)، شهر حلبچه (اسفند ۶۶)، روستاهای اطراف مریوان (اسفند ۶۶ و فروردین ۶۷)، شهر نودشه (فروردین ۶۷)، روستاهای اطراف سرپل ذهاب (مرداد ۶۷)، شهر اشنویه (مرداد ۶۷) و تک‌های متعدد ارتش عراق از فروردین ۶۷ تا پایان جنگ (مرداد ۶۷) در جبهه‌های مختلف، هدف حملات شیمیایی عراق واقع شدند.

با ادامه جنگ در مقطع پایانی، ارتش عراق که دیگر به تسلیحات شیمیایی مجهز و توان کافی برای استفاده متنوع از این مواد شیمیایی را بدست آورده بود پس از برطرف کردن ضعف‌های تاکتیکی خود در زمینه کاربرد گازهای شیمیایی و دستیابی به عوامل شیمیایی مضاعف توانست از آن‌ها به‌منزله یک سلاح تهاجمی برای بازپس‌گیری مناطق تحت کنترل نیروهای ایران استفاده کند.

ارتش عراق موفق شد از این سلاح‌ها به‌عنوان بخشی از عملیات‌های هماهنگ شده خود در

بهار سال ۱۳۶۷ علیه نیروهای ایران در فاو، شلمچه و جبهه‌های غرب و شمال استفاده نماید و عملاً نیروهای ایرانی را به عقب‌نشینی از مواضع تصرف شده مجبور کند.

فروردین سال ۱۳۶۶ به دنبال عملیات‌های پی در پی، قوای جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های غرب و جنوب، بار دیگر عراق سلاح‌های شیمیایی را در مقیاس وسیع به خدمت گرفت. در فروردین این سال ۸ مورد بمباران شیمیایی توسط عراق گزارش شد که ۶ مورد آن در منطقه عملیاتی کربلای ۸ در شرق بصره بوده است. انجام این عملیات در محدوده استراتژیک شرق بصره بود که عکس‌العمل شدید عراق را به دنبال داشت و به بمباران‌های گسترده شیمیایی منجر شد؛ به طوری که عراق بین تاریخ‌های ۱۸ تا ۲۱ فروردین اقدام به ۶ مورد بمباران گسترده شیمیایی منطقه با هواپیما و خمپاره‌انداز نمود که در مجموع به شهادت ۲۱ تن و مجروح شدن بیش از ۱۳۴ تن از نیروهای ایران منجر شد. یکی از دلایل کاهش صدمات نیروهای ایران در این عملیات، افزایش کیفی و کمی تجهیزات پدافندی ایران بود.

به دنبال این عملیات و با تغییر تاکتیک نظامی ایران مبنی بر تغییر منطقه عملیاتی از جنوب به شمال و ادامه عملیات در مناطق شمال غرب و کردستان عراق، بعد از این تاریخ شاهد بمباران گسترده شیمیایی این مناطق توسط عراق هستیم به طوری که تا مهرماه ۶۶ مجموعاً ۱۱ مورد بمباران شیمیایی در روستاهای کردنشین استان سلیمانیه و اربیل عراق، منطقه عملیاتی کربلای ۱۰ (ماؤوت)، روستای بوالحسن و سرول و جومه، بانه، روستای قره باغ در شمال عراق، روستای کله وش در حومه سردشت، مناطق عملیاتی نصر ۴ (ارتفاعات ماؤوت)، فتح ۷ (حلبچه) انجام شده که این حملات عمدتاً با هواپیما صورت گرفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی میزان کاربرد سلاح‌های شیمیایی حزب بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران

نمونه‌ای از عملیات‌هایی که نیروهای عراقی از بمب‌های شیمیایی علیه مردم و رزمندگان ایرانی استفاده کرده‌اند:

ردیف	نام عملیات	تاریخ	عوامل مورد استفاده	نتایج
۱	پس از والفجر ۲ (تبر تا مرداد ۶۲) و والفجر ۳ (مرداد ۶۲) - مناطق حاج عمران، شیوه رش، تمرچین، رودخانه دویرج و مناطق اطراف	۶۲/۵/۱۷	گاز خردل ، گازهای تهوع‌آور و تاول‌زا	بیش از ۲۰۰ مصدوم و ۲ نفر شهید
۲	دوازده بار حمله با توپ، خمپاره و هواپیما عمدتاً در غرب کشور از جمله مناطق نظامی و غیر نظامی پیرانشهر، بازی دراز، مریوان، بانه، پنجوبین و پاوه	از تاریخ ۱۳۶۲/۵/۱۹ تا ۱۳۶۲/۹/۴	گاز خردل	مصدوم شدن جمعی از رزمندگان و مردم غیر نظامی
۳	والفجر ۴ - منطقه عمومی سلیمانیه و محور پنجوبین	مهر و آبان ۶۲	گاز خردل و اعصاب	شهادت ۲۰ نفر و سیصد نفر مصدوم
۴	والفجر ۶ - مناطق العزیر و شط علی	۳ تا ۵ اسفند ۶۲	گاز خردل	مصدومیت شدید ششصد تا هفتصد نفر
۵	والفجر ۸ (فتح فاو)	۶۴/۱۱/۲۰ تا ۶۴/۱۲/۱۰	گاز تاول‌زا از جمله خردل‌های سولفور و موستارد و نیتروژنه+گاز اعصاب تابون و سارین+سیانید+عامل خفه‌کننده فسژن+ناتوان . کننده+عامل اعصاب VX+ترکیبات عامل‌ها	شهادت ۱۰۰۰ نفر و مصدومیت ۱۲ هزار نفر
۶	عملیات خیبر	اسفند ۶۲ تا ۶۳/۱/۱۶	گاز خردل +گاز اعصاب +گاز خفه‌کننده فسژن+تابون	شهادت ۷۰ نفر و مصدومیت ۳۵۰۰ نفر
۷	عملیات بدر	۶۳/۱۲/۱۹ تا ۶۳/۱۲/۲۹	گاز خردل (ناچیز)+گاز اعصاب+سیانور+عامل خارش‌زا	۲۰ تا ۳۰ نفر شهید و ۱۵۰۰ نفر مصدوم

۸	کرپلای ۸	۶۶/۱/۱۸ تا ۶۶/۱/۲۱	تاول زا(خردل سولفور) +عامل اعصاب تابون و سارین +سیانور +خفه کننده	-
۹	بمباران شهر سردشت	۶۶/۴/۷	سیانور، خردل و اعصاب	شهادت ۱۳۰ نفر - مصدومیت و مسمومیت بیش از ۸ هزار نفر
۱۰	در عملیات والفجر ۱۰ - بمباران شهر حلبچه	۶۶/۱۲/۲۶	خردل، اعصاب(تابون، سارین یا سومان) سیانوزن، لویزیت	۵ هزار شهید و ۷ هزار نفر مجروح شیمیایی
۱۱	بمباران شیمیایی شهر نودشه کرمانشاه	۶۶/۱۲/۲۶ و ۶۷/۱/۱۳	خردل و اعصاب	بیش از ۱۲۰ نفر شهید و مجروح
۱۲	نبرد دوم فاو	۶۷/۱/۲۸	گاز اعصاب، سیانید در خطوط مقدم و گاز خردل در پشت جبهه	سقوط شهر فاو - بیش از ۶ هزار شهید و مصدوم
۱۳	مقاومت رزمندگان در پدخندق جزایر مجنون	۶۷/۴/۴	-	سقوط جزایر مجنون
۱۴	هشت نقطه در منطقه غرب اشنویه	۶۷/۵/۱۱	گاز خردل	بیش از ۲ هزار و ۶۲۰ تن از مردم غیرنظامی منطقه مصدوم

حمله شیمیایی رژیم بعث به سردشت

حمله شیمیایی رژیم بعث به شهر سردشت، نخستین مورد حمله شیمیایی به یکی از شهرهای ایران بود. ساعت ۱۶:۳۰ روز یکشنبه هفتم تیر ماه سال ۱۳۶۶، حمله هوایی ارتش بعث به شهر سردشت آغاز شد. هواپیماهای جنگی ارتش عراق، ۷ بمب شیمیایی خردل در نقاط مختلف شهر انداختند که دو بمب در بازار شهر و دو بمب در دیگر به مناطق مسکونی اصابت کردند. سه بمب دیگر نیز در باغ‌های مجاور شهر فرود آمد.

طبق آمارها از شهر دوازده هزار نفری آروز سردشت، ۸۰۲۵ نفر مصدوم شدند که حدود ۴۵۰۰ نفر از آنان نیاز به درمان فوری داشتند و ۱۵۰۰ نفر مجروح نیاز به بستری با ابزار ویژه پزشکی در بیمارستان‌ها.

آمار شهدای حمله به شهر سردشت ۱۳۰ نفر بود که بیست نفر از آن‌ها در همان دقایق و ساعات نخستین پس از بمباران شهید شدند. ده نفر در حین انتقال از سردشت و ۱۰۰ نفر طی مدت یک ماه پس از حادثه به تدریج در بخش‌های مراقبت ویژه بیمارستان‌های مختلف کشور به شهادت رسیدند. با گذشت چندین سال، هنوز صدها مجروح و بازمانده آن حملات شیمیایی از بیماری‌های مختلف رنج می‌برند.

گزارشات متعددی به انضمام تصاویر دلخراش قربانیان این فاجعه جنگی به شورای امنیت سازمان ملل ارسال شد، اما سازمان ملل اقدامی جدی به عمل نیاورد.

حمله شیمیایی عراق به سردشت، ۹ ماه پس از آن صورت گرفت که واشنگتن، حتی تلاش اکثریت اعضای شورای امنیت را برای صدور یک بیانیه (و نه قطعنامه) در محکومیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق، و تو کرده بود. نتیجه این بی‌تفاوتی نسبت به استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، بمباران شیمیایی شهر حلبچه و کشته شدن بیش از ۵ هزار انسان را به همراه داشت که پر تلفات‌ترین بمباران شیمیایی یک شهر در تاریخ جهان به شمار می‌آید.

بمباران شیمیایی شهر حلبچه

با آغاز عملیات والفجر ۱۰ توسط ایران در محور حلبچه-سلیمانیه، ایران علاوه بر اهداف سیاسی، سه هدف عمده نظامی هم مدنظر داشت: آزادسازی حلبچه، خرمال، دوحیله، بیاره و طویله از دست نیروهای عراقی، فراهم‌سازی مقدمات تصرف سد دربندیخان و انسداد عقبه اصلی نیروهای عراقی در استان سلیمانیه.

سرعت عمل ایرانی‌ها در اجرای عملیات، دسترسی سریع یگان‌ها به اهداف، غافل‌گیری دشمن و عقب ماندن از اهدافش سبب شد منطقه‌ای به وسعت ۱۰۰۰ کیلومتر مربع (دشت‌زور) شامل ۳ شهر و بالغ بر ۷۰ روستا ابتدا محاصره و سپس تصرف شود. پیش از تصرف حلبچه، نیروهای ایران در حال پیشروی به سمت سد «دربندیخان» و نیروگاه «دوکان» بودند؛ تأسیساتی که آب و برق بغداد، عمدتاً از آن تأمین می‌شد.

^۱ عملیات والفجر ۱۰ در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۴ تا ۱۳۶۶/۱۲/۲۹ انجام شد.

ارتش عراق با استفاده از سلاح‌های شیمیایی مانع پیشروی نیروهای ایران به سمت این تأسیسات شد و در واکنش به استقبال مردم کُرد منطقه از رزمندگان ایرانی و جبران آنچه در این منطقه از دست داد، شهرها و برخی روستاهای این منطقه را در ابعاد وسیعی بمباران شیمیایی کرد.

در پی محاصره کامل منطقه دشت زور و ناامیدی دشمن از خروج نیروهایش از این منطقه، از حدود ساعت ۱۱ صبح روز ۲۶ اسفند ۱۳۶۶ هواپیماهای عراقی شهر حلبچه و روستاهای اطراف آن را در ابعاد وسیعی گلوله باران کردند که منجر به شهادت و مصدومیت بسیاری از مردم منطقه و رزمندگان گردید.

حمله شیمیایی عراق به شهر حلبچه در حالی صورت گرفت که اوضاع این شهر و رفت و آمد مردم کاملاً عادی بود. مردم شهر دجیله در حال ورود به شهر حلبچه و رزمندگان مشغول بازرسی مراکز دولتی بودند.

بمباران جاده‌ها و سپس شهرهای خرمال، حلبچه و دجیله (سیروان) و روستاهای اطراف بدون وقفه تا حدود ساعت ۳ بعد از ظهر ادامه یافت و از ساعت ۳ به بعد این مناطق را به وسیله بمب‌های شیمیایی بمباران شد.

پس از بمباران حلبچه، شورای امنیت به مدت ۷ هفته موضعی در مقابل این حمله نگرفت. حتی پس از آن هم، از مقصر دانستن حکومت بعث خودداری کرد و در عوض، به محکوم کردن ادامه استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مناقشه میان جمهوری اسلامی ایران و عراق پرداخت. شورای امنیت، در ادامه از «هر دو طرف» خواست از «استفاده بیشتر از سلاح‌های شیمیایی خودداری کنند».

خبرگزاری فرانسه دو هفته پس از این فاجعه، روز ۱۳۶۷/۱/۱۲ اعلام کرد: «حلبچه شهری از کردستان عراق که به تصرف ایران درآمده و طی روزهای ۲۷ و ۲۸ اسفند ماه توسط عراق بمباران شیمیایی شده منجمد است و ساکنان آن در خوابی عمیق فرورفته‌اند».

نیویورک تایمز آمریکا در ۱۳۶۷/۱/۱۶ نوشت: «این عمل از هر جهت و به هر مفهوم یک جنایت جنگی است که با انکارهای سست و رسمی عراق و عذر و بهانه‌های غیررسمی در مورد

استفاده از یک سلاح ناجوانمردانه، در آمیخته است.»

اقدامات سیاسی-تبلیغی ایران

اقدامات در سطح داخلی

با تشکیل نظام جمهوری اسلامی و مشکلات بسیار موجود، جنگی بزرگ از جانب دشمنی مجهز و مورد حمایت ابرقدرت‌ها بر آن تحمیل شد. مردم ایران با فقر، تحریم، بیکاری، نبود زیرساخت‌های آموزشی، رفاهی و... دست و پنجه نرم می‌کردند که حمله به مرزهای کشور همراه با بمباران شهرها و روستاها نیز اضافه شد. مردم ایران محکم و با تمام توان از جبهه‌ها حمایت کردند و این مقاومت مردمی، شوق حضور در جبهه‌ها و امید به آینده جنگ باعث شکست نقشه-های دشمن می‌شد. حزب بعث که در رسیدن به اهداف اولیه خود ناکام مانده و با اعزام بسیجیان و نیروهای سپاه پاسداران در عملیات‌های جنگی شکست‌های متوالی را متحمل شده بود، را به استفاده از سلاح شیمیایی در عملیات‌های نظامی به‌عنوان عامل بازدارنده در مقابل ایرانیان روی آورد. با ادامه روند ناکامی حزب بعث در میدان رزم، شهرها و روستاهای ایران را بمباران شیمیایی کرده و در چند مقطع از جنگ با این حملات شیمیایی سعی در ایجاد رعب و وحشت عمومی و تلاش برای ناامن سازی شهرها و نهایتاً فشار بر دولت مرکزی ایران داشت.

جمهوری اسلامی که همزمان با جنگ درگیر اقدامات خرابکارانه منافقین، تفرقه اندازی‌های دشمن در بین اقوام مختلف، تشکیل ساختار منظم و ثابت سیاسی کشور، رفع محرومیت و سازندگی در مناطق کمتر برخوردار و... بود، گاه‌آگاه اخبار حملات شیمیایی عراق را به دلیل نگرانی از ایجاد ترس و وحشت عمومی در میان مردم رسانه‌ای نمی‌کرد. این سکوت خبری داخلی همراه با سکوت و بی‌توجهی قدرت‌های جهانی جهت برجسته کردن تخلفات جنگی عراق باعث استفاده بیشتر عراق از این سلاح‌های مخرب می‌شد. به‌عنوان مثال سکوت خبری حمله شیمیایی به شهر سردشت باعث شد تا در منابع موجود جنگ ایران و عراق، اشارات مختصری به این حمله شیمیایی شود.

ایران که تمام پروتکل‌های منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی را پذیرفته و پایبند به آن‌ها مانده بود، با توجه به حمایت‌های قوی که در عرصه بین‌المللی از حکومت عراق می‌شد، امید

زیادی به نهادهای بین‌المللی و بخصوص سازمان ملل نداشت؛ لذا بیشتر به اقدامات تبلیغی رو کرده و با استفاده از ظرفیت رسانه‌های داخلی و خارجی بخصوص نشریه‌ها و روزنامه‌ها و پوشش خبری حملات شیمیایی در عملیات‌ها و مصاحبه با مصدومان این حملات، سعی در روشنگری و تأثیرگذاری بر افکار عمومی در کشورهای مختلف و نهایتاً مطالبه‌گری عمومی مردمی داشت. علاوه بر انتشار متوالی اخبار روزانه مصدومان، از پزشکان و خبرنگارانی که به بهانه‌های مختلف در ایران حضور می‌یافتند، دعوت می‌شد تا مجروحان شیمیایی را مشاهده نمایند و بتوانند در زمان برگشت از ایران، نقش روشنگری این فجایع عراق را داشته باشند. به‌عنوان مثال روزنامه گاردین در مقاله‌ای به تاریخ ۵ آذر سال ۱۳۶۲، به نقل از سه پزشک انگلیسی، که برای شرکت در کنفرانس جهانی پزشکی به تهران سفر کرده و مقامات بنیاد شهید آن‌ها را بر بالین مجروحان شیمیایی بستری در بیمارستان‌های تهران حاضر کرده بودند، نوشت:

«شواهدی را که دولت ایران برای اثبات ادعای خود ارائه داده، آن‌ها را متقاعد کرده که عراق برای مقابله با حمله اخیر نیروهای ایران سلاح‌های شیمیایی و گازهای سمی را علیه نیروهای ایران به کار گرفته است.»

در پی حمله شیمیایی وسیع عراق در عملیات خیبر در اسفند ماه ۱۳۶۲، ششصد تا هفتصد نفر از نیروهای ایران جمعی گردان شهید کامیاب از تیپ ۱۲۹ نجف اشرف از سپاه چهارم قدس (نیروهای طرح لیبک یا خمینی)، در منطقه شط‌علی از ناحیه صورت، به‌ویژه چشم‌ها به‌شدت مجروح شدند، جمهوری اسلامی ایران تهدید کرد اگر سازمان ملل موضع قاطعی در قبال استفاده از سلاح‌های شیمیایی اتخاذ نکند، این کشور برای دفاع از خود، مقابله به مثل خواهد کرد.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در خطبه‌های نماز جمعه تهران در ۳ اسفند ماه سال ۱۳۶۲، خطاب به سازمان ملل هشدار داد اگر عراق به استفاده از سلاح‌های شیمیایی ادامه دهد، ممکن است ایران به استفاده از این سلاح‌ها مجبور شود. وی گفت: «ما در حال حاضر، به عدم استفاده از تسلیحات شیمیایی متعهدیم، اما نمی‌دانم این تعهد تا چه مدت پایدار بماند... در صورت عدم اتخاذ یک موضع قاطع از سوی سازمان ملل، این سازمان مرتکب جنایتی علیه بشریت می‌شود که حتی آب زمزم نیز نمی‌تواند آن را پاک کند.»

در پی استفاده عراق از سلاح شیمیایی در عملیات خیبر دکنر علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه وقت ایران، در نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل از وی خواست تا برای بررسی مسئله استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، گروه کارشناسی را به ایران اعزام نماید.

مسئولان جمهوری اسلامی ایران با این که برای متوقف کردن این حملات امیدی به شورای امنیت و اعضای دائمی حاکم بر این شورا نداشتند، حداقل برای ثبت این فجایع در تاریخ و رساندن آن به گوش جهانیان، به اقدامات متعددی دست زدند که از جمله آن‌ها، ارسال گزارش حملات عراق برای دبیر کل سازمان ملل و درخواست اعزام کارشناس برای بررسی آثار این جنایات بود.

در این نامه، تأکید شده بود که طی چهار سال جنگ، حدود هفت هزار نفر از نیروهای ایرانی در اثر به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق کشته یا مجروح شده‌اند. این درخواست ایران با پذیرش دبیر کل همراه بود؛ بنابراین، تصمیم گرفته شد از ۲۲ تا ۲۹ اسفند ماه سال ۱۳۶۲، (۱۳ تا ۱۹ مارس ۱۹۸۴)، یک هیئت کارشناسی به ایران اعزام شود.

اقدامات در سطح بین‌المللی

به دنبال تشدید حملات شیمیایی عراق علیه مناطق نظامی و غیر نظامی، ایران برای نخستین بار در ۶ آبان ماه سال ۱۳۶۲ (۲۸ اکتبر ۱۹۸۳) طی نامه‌ای رسمی خطاب به دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد که عراق در جنگ علیه نیروهای ایران از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است، لذا تقاضای اعزام گروه کارشناسی جهت بررسی موضوع را داشت.

شش روز بعد با تداوم حملات شیمیایی عراق، جمهوری اسلامی ایران این تقاضا را تکرار کرد، اما درخواست‌های مکرر ایران در سازمان ملل با بی‌اعتنایی روبه‌رو شد و دبیر کل در مقابل تقاضای ایران سکوت اختیار کرد.

دولت عراق وقتی با اقدام بی‌سابقه ایران در توسل به دبیر کل برای جلوگیری از گسترش کاربرد سلاح‌های شیمیایی روبه‌رو شد، حملات شیمیایی خود را کاهش داد. از سوی دیگر، برای تحت‌الشعاع قرار دادن اقدام سیاسی ایران، طی نامه‌ای به دبیر کل، ادعا کرد که ایران علیه نیروهای

عراقی از سلاح شیمیایی استفاده کرده است و اعزام گروه کارشناسی به آن کشور را خواستار شد. با وجود این، زمانی که دولت عراق متوجه شد برای درخواست‌های ایران در مجامع بین‌المللی گوش شنوایی وجود ندارد، محدودیت بکارگیری جنگ‌افزارهای شیمیایی را کنار گذاشت و با آغاز نخستین زرمه‌های شروع عملیات بزرگ دیگری از سوی نیروهای ایران، در اوایل اسفند ماه سال ۱۳۶۲، تهدید کرد: «در صورت نیاز، از سلاح‌های جدیدی استفاده خواهد کرد که برای ایرانیان ناشناخته است.»

از آذر ماه سال ۱۳۶۲ که جمهوری اسلامی ایران برای نخستین بار طی نامه‌ای از دبیرکل برای جلوگیری از تکرار استفاده عراق از گازهای شیمیایی استمداد طلبید، تعدادی از روزنامه‌ها و نشریات تخصصی جهان نسبت به موضوع حساس شده و به درج مقالاتی در این باره اقدام کردند. ایران به دلیل نادیده گرفتن تجاوز عراق از سوی شورای امنیت سازمان ملل، با این سازمان چندان ارتباط نداشت و از مکاتبه با آن خودداری می‌کرد و عمده قوای سیاسی و تبلیغاتی خود را متوجه افکار عمومی جهان و معدود دولت‌های هم‌پیمان خود می‌کرد. درحالی که طرف عراقی به شدت در سطح مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای فعال بود و با برخورداری از حمایت گسترده قدرت‌های بزرگ، از ابزارها و فرصت‌های سیاسی و دیپلماتیک به نفع خود استفاده می‌کرد.

در چنین شرایطی بود که عراق برای خنثی کردن اقدامات سیاسی-تبلیغی ایران در مورد کاربرد سلاح‌های شیمیایی وارد عمل شد و ریاض‌القیسی، نماینده دائمی عراق در سازمان ملل، اتهامات ایران را مبنی بر استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ با این کشور به شدت نفی و اتهامات مزبور را اکاذیب و قلب حقایق توصیف کرد.

هم‌زمان با تهدیدهای مسئولان ایرانی و ارسال نامه‌های متوالی، ایران به ابتکار دیگری دست زد و با جلب موافقت برخی از کشورهای اروپایی از جمله بلژیک، هلند، سوئیس، سوئد، انگلستان، فرانسه و اتریش، تعدادی از مجروحان شیمیایی را برای مداوا به این کشورها اعزام کرد. نخستین گروه از این مجروحان در روز ۳ اسفند ماه به آمستردام وارد شد و پنج تن از آنان در بیمارستان عمومی شهر فنت، پنج نفر دیگر در بیمارستان دانشگاه انزشت و پنج نفر پس از اعزام به

لندن به یک مرکز درمانی انتقال یافتند.

این اقدام ایران از نظر سیاسی و تبلیغی بسیار مؤثر واقع شد و جهانیان در مقابل واقعیت‌های انکارناپذیر جنگ و استفاده از سلاح‌های شیمیایی قرار گرفتند. بدین ترتیب، موضوع اعزام مجروحان شیمیایی ایرانی به کشورهای اروپایی در صدر اخبار رسانه‌های گروهی جهان قرار گرفت و صدها گزارشگر و خبرنگار به سوی بیمارستان‌ها سرازیر شدند تا آخرین خبرها را به گوش شنوندگان و خوانندگان خود برسانند. به دنبال این اقدامات، به تدریج، زمزمه‌هایی مبنی بر محکومیت کاربرد جنگ‌افزارهای شیمیایی در گوشه و کنار جهان برخاست.

بر اساس آمار موجود، در سال ۶۲ حدود ۵۸ نفر، در سال ۶۳ تعداد ۳ نفر، در سال ۶۵ تعداد ۶ نفر، در سال ۶۶ تعداد ۲۴ نفر و در سال ۱۳۶۷ تعداد ۵۳ نفر از مجروحین شیمیایی که شدت جراحات آنان بیشتر بود، به کشورهای انگلیس، فرانسه، آلمان، اتریش، هلند، سوئد، سوئیس، بلژیک، ژاپن، اسپانیا و آمریکا اعزام و تحت مراقبت‌های ویژه قرار گرفتند.

اقدامات سیاسی تبلیغی جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی و مکاتبات آن با دبیر کل سازمان ملل در کنار انتشار اخبار روزانه مربوط به اظهارنظر پزشکان و متخصصان بیمارستان‌های کشورهای اروپایی که مصدومان سلاح‌های شیمیایی در آن‌ها بستری بودند، مبنی بر وجود شواهد انکارناپذیری از عناصر شیمیایی گاز خردل، بوتان، فسفر و... در خون و ادرار مصدومان تحت معالجه، بازتاب گسترده‌ای در محافل سیاسی و رسانه‌های گروهی جهان داشت.

فشارها به حدی زیاد بود که بسیاری از کشورهای حامی عراق از جمله آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان فدرال و... با انتشار اطلاعیه‌هایی استعمال گازهای شیمیایی را علیه نیروهای جمهوری اسلامی ایران تأیید و محکوم کردند.

بدین ترتیب، مسئله کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق در جنگ علیه ایران، ابعاد بین‌المللی به خود گرفت و سازمان‌های بین‌المللی، مانند صلیب سرخ جهانی، که حافظ کنوانسیون ژنو درباره قوانین جنگی است، وارد صحنه شده و به‌طور غیرمستقیم، عراق را به استفاده از تسلیحات سمی در جنگ با ایران متهم کردند. طبق اعلام این سازمان «استفاده از مواد سمی در جبهه جنگ

با احترام به اصول انسانیت منافات دارد و نقض قوانین و عرف جنگ است.» اما هیچ‌یک از این اقدامات مانع از تداوم توسل عراق به گازهای شیمیایی نشد.

عراقی‌ها علی‌رغم وجود فشار سنگین بین‌المللی، برای بازپس‌گیری جزایر مجنون به کاربرد سلاح‌های شیمیایی در روزهای پایانی سال ۱۳۶۲ ادامه دادند و کوشیدند به هر نحو ممکن، از ادامه عملیات خیر جلوگیری کنند. آن‌ها در روزهای ۱۰ و ۱۱ اسفند ماه منطقه طلایه را هدف حملات شیمیایی قرار دادند و در روزهای ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۳ و ۳۰ اسفند ماه، هم‌زمان با حضور کارشناسان سازمان ملل در منطقه، شدیدترین حملات شیمیایی را متوجه جزایر مجنون کردند که بر اساس آمار غیررسمی، حدود ۲۵۰۰ تن از نیروهای ایران در این حملات مصدوم شدند.

تنها در حمله ۱۹ اسفند ماه، ۵۴۳ تن از نیروهای رزمنده در نتیجه استنشاق ترکیبات گاز خردل و تاول‌زا مجروح شدند و در ۳۰م همین ماه، ۳۷۰ تن از این نیروها تحت تأثیر گاز اعصاب (تابون) قرار گرفته و به شدت مصدوم شدند.

عراقی‌ها در روزهای ۲۳، ۲۴ و ۲۷ اسفند ماه، افزون بر حمله شیمیایی به منطقه عملیاتی خیر، مناطق البیضه، حسینیه و جفیر را نیز هدف حملات شیمیایی قرار دادند که در البیضه ۱۵۳ نفر و در حسینیه، ۵۰ نفر مصدوم شدند.

پس از عملیات خیر - که سوم اسفند ۱۳۶۲ آغاز شد - سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد عراق در جنگ از گاز سمی استفاده کرده است. در پی آن نیز آمریکایی‌ها در مارس ۱۹۸۴م (اسفند ۶۲) به کارگیری سلاح شیمیایی را محکوم کردند.

واکنش آمریکا در برابر عراق در حالی صورت می‌گرفت که آمریکا به دلیل نگرانی از شکست عراق در جنگ و شکست آمریکا در خاورمیانه، به دنبال برقراری ارتباط با عراق بود. به همین دلیل جانانتان هوو، از اداره سیاسی - نظامی وزارتخانه در نامه‌ای مورخ ۱ نوامبر ۱۹۸۳ خطاب به جرج شولتز نوشت: «عراق به‌صورت روزمره از سلاح شیمیایی استفاده می‌کند و برای حفظ اعتبار سیاستمان در خصوص سلاح‌های شیمیایی باید به این مسئله اشاره کنیم. ولی برای کاخ سفید اهمیت صدام در مقابله با ایران بیش از این‌ها بود.» لذا در فرمان ریاست جمهوری شماره ۱۱۴

مورخ ۲۶ نوامبر همان سال به امضاء ریگان، اشاره‌ای به این مسئله نشد. در نتیجه پس از واکنش آمریکا در محکوم کردن استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، بلافاصله رامسفلد در سفر دوم خود به عراق در فروردین سال ۶۳ مایل بود به صدام توضیح بدهد که این موضع‌گیری ارتباطی با تلاش برای گسترش مناسبات دو کشور ندارد. آرمیتاژ بعدها در همین زمینه می‌گوید: «انگیزه اصلی واشنگتن به برقراری رابطه با عراق و نگرانی از پیروزی ایران در جنگ با عراق سبب گردید دولت آمریکا واکنش درخور توجهی نشان ندهد.»

واکنش‌های سازمان ملل و شورای امنیت

با ادامه جنگ و افزایش استفاده حکومت عراق از سلاح‌های شیمیایی، به درخواست رسمی جمهوری اسلامی ایران اولین گروه حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد متشکل از چهار کارشناس برجسته سلاح‌های شیمیایی در اسفند ماه ۱۳۶۲ (مارس ۱۹۸۴ م) به دستور دبیر کل سازمان ملل به ایران اعزام شدند.

این هیئت ضمن معاینه مصدومین و نمونه‌برداری از مناطق آلوده و مشاهده بمب‌های شیمیایی منفجر نشده، گزارش خود را به سازمان ملل اعلام و گزارش آن روز ۲۶ مارس ۱۹۸۴ م تسلیم شورای امنیت شد. در این گزارش کاربرد گاز خردل و عامل اعصاب (تابون) علیه رزمندگان ایرانی مورد تأیید قرار گرفت.

در پی این گزارش، شورای امنیت روز ۳۰ مارس ۱۹۸۴ م با صدور بیانیه‌ای بدون ذکر نام عراق به‌عنوان بکار برنده سلاح شیمیایی، طرفین جنگ را به پابندی به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو دعوت نمود. این بیانیه اولین واکنش شورای امنیت سازمان ملل به موضوع استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق بود.

صدور بیانیه که برخلاف قطعنامه الزام‌آور نبوده و فاقد ضمانت اجرایی است، آن هم بدون ذکر نام کشور خاطی و با محافظه‌کاری، هیچ تأثیری بر ادامه روند جنایات جنگی رژیم عراق نداشت و در ماه‌های بعد ارتش عراق در مقیاس وسیع‌تری از انواع سلاح‌های شیمیایی استفاده نمود و رزمندگان

ایرانی در عملیات‌های بدر (اسفند ۶۳)، والفجر ۸ (بهمن ۶۴) و آغاز سال ۱۳۶۵ قربانی این حملات شیمیایی شدند.

ادامه این روند باعث درخواست مجدد جمهوری اسلامی ایران برای اعزام کارشناسان سازمان ملل و معاینه مصدومین شیمیایی ایران که در بیمارستان‌های اروپایی بستری بودند، شد. این بار نیز گزارش کارشناسی که در آن کاربرد سلاح شیمیایی علیه ایران تأیید شد بود، در آوریل ۱۹۸۵م توسط دبیر کل سازمان ملل به شورای امنیت تسلیم شد.

پس از عملیات والفجر ۸ در بهمن ۱۳۶۴ و استفاده مکرر عراق از سلاح‌های شیمیایی، در اسفند ماه ۱۳۶۴ (مارس ۱۹۸۶) سومین گروه کارشناسی سازمان ملل به ایران اعزام شد. هیئت اعزامی پس از مصاحبه با مصدومین شیمیایی بیمارستان‌های اهواز و تهران و تعدادی از اسرای عراقی، گزارشی مبنی بر تأیید کاربرد عراق از گازهای خردل و اعصاب علیه رزمندگان ایران، به سازمان ملل و سپس شورای امنیت ارائه نمودند.

در پی انتشار این گزارش و انعکاس تصاویر مصدومین شیمیایی ایران در بیمارستان‌های اروپایی، تحت تأثیر افکار عمومی جهان شورای امنیت در بیانیه ۲۱ مارس ۱۹۸۶ برای اولین بار از عراق به‌عنوان بکار برنده سلاح شیمیایی علیه ایران نام برد اما همچنان از صدور قطعنامه و اقدام عملی علیه این جنایت جنگی امتناع ورزید.

در عملیات کربلای ۸ (شرق بصره)، در فروردین ۱۳۶۶ عراق از گازهای کشنده اعصاب و سارین استفاده کرده است. با موشک‌های کاتیوشا حاوی گاز اعصاب مرکز تصفیه آب خرمشهر را مورد حمله قرار داده و مناطق وسیعی از کردستان ایران و عراق را بمباران شیمیایی کرد. در پی استفاده مجدد عراق از این سلاح‌ها چهارمین گروه کارشناسی سازمان ملل در اردیبهشت ۱۳۶۶ به ایران سفر کرد. در گزارش کارشناسان اعزامی بر استفاده مکرر ارتش عراق تأکید و خطر استفاده بیشتر از این سلاح‌های مخرب بر علیه مردم غیر نظامی بخصوص زنان و کودکان را گوشزد کردند؛ اما شورای امنیت علیرغم مشاهده نقض مکرر پروتکل ۱۹۲۵ ژنو توسط ارتش عراق باز هیچ اقدام عملی برای متوقف ساختن جنایات عراق صورت نداد و طی بیانیه ۱۴ می ۱۹۸۷ (اردیبهشت

۱۳۶۶) از ادامه و تشدید کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق علیه ایران به‌ویژه غیرنظامیان ابراز نگرانی نمود.

با وجود صدور بیانیه‌های شورای امنیت در چند نوبت، به دلیل فقدان محکومیت جدی و اقدامات عملی از سوی شورای امنیت، رژیم عراق بدون هیچ‌گونه مانعی به حملات شیمیایی خود ادامه می‌داد و هیچ قطعنامه‌ای بر علیه آنان تصویب نمی‌شد.

پس از فاجعه بمباران شیمیایی شهر سردشت در تیر ماه ۱۳۶۶، چگونگی این حادثه، آمار شهدا و مصدومین آن طی گزارش‌های رسمی متعددی به شورای امنیت سازمان ملل ارسال شد اما علیرغم درخواست‌های مکرر ایران، هیچ هیئت کارشناسی برای بررسی این حادثه اعزام نشد.

پس از پایان جنگ، شورای امنیت در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۸۸ (۴ شهریور ماه ۱۳۶۷) در جلسه شماره ۲۸۲۵ طرح قطعنامه‌ای را که توسط آلمان فدرال، ایتالیا، ژاپن و انگلستان پیشنهاد شده بود تحت عنوان قطعنامه ۶۲۰ تصویب کرد و در آن برای اولین بار از ایران به‌عنوان قربانی سلاح‌های شیمیایی در جنگ نام برد.

متن این قطعنامه چنین است:

مصوبه شورای امنیت در جلسه ۲۸۲۵ مورخ ۲۶ آگوست ۱۹۸۸ (۴ شهریور ۱۳۶۷):

شورای امنیت، با یادآوری قطعنامه ۶۱۲ (۱۹۸۸) خود، با بررسی گزارش‌های ۲۰ و ۲۵ جولای و ۱۹ آگوست ۱۹۸۸ هیئت‌های اعزامی دبیر کل جهت بررسی ادعاهای استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مناقشه میان جمهوری اسلامی ایران و عراق، با ابراز تأسف عمیق از نتایج تحقیقات هیأت‌ها مبنی بر اینکه استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مناقشه ایران و عراق تداوم یافته و چنین استفاده‌ای علیه ایرانیان شدت و تکرار بیشتری پیدا کرده است، با ابراز نگرانی عمیق از خطر استفاده احتمالی از سلاح‌های شیمیایی در آینده، با در نظر گرفتن مذاکرات جاری در کنفرانس خلع سلاح راجع به ممنوعیت کامل و مؤثر توسعه، تولید و انبار کردن سلاح‌های شیمیایی و نیز نابودی آن‌ها، با عزم راسخ جهت شدت بخشیدن به تلاش‌های خود برای پایان دادن به هرگونه استفاده از سلاح‌های شیمیایی در حال حاضر و در آینده که در مغایرت با تعهدات بین‌المللی است:

۱. استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مناقشه ایران و عراق را که مغایر با تعهدات مطابق با پروتکل ممنوعیت استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی و دیگر گازها و مواد میکروبی در جنگ مصوب ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ و قطعنامه‌ی ۶۱۲ شورای امنیت است، شدیداً محکوم می‌نماید.

۲. دبیر کل را تشویق می‌نماید که در پاسخ به ادعاهای ارائه شده به وی از سوی هر دولت عضو مبنی بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی یا سمی و نقض احتمالی پروتکل ۱۹۲۵ ژنو و دیگر قوانین مربوط در حقوق بین‌المللی عمومی سریعاً تحقیقاتی به عمل آورد تا شواهد را بررسی و نتایج را گزارش نماید.

۳. از تمامی دولت‌ها می‌خواهد که نظارت شدیدی بر صادرات محصولات شیمیایی که می‌تواند جهت تولید سلاح‌های شیمیایی به کار گرفته شود، اعمال نمایند. به‌ویژه کشورهای درگیر در زمانی که استفاده آن‌ها از سلاح‌های شیمیایی با تعهدات بین‌المللی مورد تأیید مغایرت داشته و یا شواهد متقنی دال بر این امر در دست باشد.

۴. تصمیم می‌گیرد با توجه به تحقیقات دبیر کل، در صورت تکرار هرگونه استفاده از سلاح‌های شیمیایی در آینده و مغایرت آن با حقوق بین‌المللی از سوی هر کس و در هر زمان که باشد، مسئله را سریعاً مورد بررسی قرار داده و مطابق با منشور ملل متحد اقدامات مناسب و مؤثری را اتخاذ نماید.

پس از پذیرش قطعنامه توسط امام خمینی علیه‌السلام، ایران وارد فاز جدیدی از مناسبات سیاسی شد. اکنون وقت اثبات مظلومیت ایران و مطالبه غرامت جنگی از عراق در مجامع جهانی فرا رسیده بود.

در بند هفت قطعنامه ۵۹۸ اعلام شد که: «ابعاد خسارات وارده در خلال منازعه و نیاز به تلاش‌های بازسازی با کمک‌های مناسب بین‌المللی پس از خاتمه درگیری تصدیق می‌گردد و در این خصوص از دبیر کل درخواست می‌شود که یک هیأت از کارشناسان را برای مطالعه موضوع بازسازی و گزارش به شورای امنیت تعیین کند.» اما پس از پایان جنگ و پذیرش قطعنامه، ایران به دلایل بسیاری در اجرا و پیگیری این بند ناتوان ماند.

در ۱۸ آذر ۱۳۷۳ عراق به‌عنوان متجاوز به خاک ایران شناخته شد. با این وجود، تلاش بسیاری از مدافعان حقوق جانبازان شیمیایی در عرصه دادگاه‌های جهانی بدون حمایت دولت ایران با شکست مواجه شد و ایران علاوه بر این که از وصول بسیاری از گرامت‌های جنگی خود بازماند، حتی نتوانست از اتباع خود در دادگاه‌های بین‌المللی علیه کشورهای غربی حمایت کند. ایران حتی در دادگاه‌هایی که دیگر کشورها برای مجازات عاملان این جنایات برگزار کرده بودند، شرکت نکرد. شاید عدم حضور ایران در این دادگاه‌ها بخاطر بی‌اطلاعی مقامات ایرانی یا موضع صلح-جویانه ایران بود.

سرانجام سلاح‌های شیمیایی عراق

حکومت عراق سال ۱۹۹۰ به کشور کویت حمله کرد و آن را اشغال نمود که این جنگ به‌عنوان جنگ اول خلیج فارس^۱ نامیده شد.

این اقدام عراق تهدیدی برای منافع کشورهای غربی از جمله آمریکا و بهانه‌ای برای تضعیف ارتش عراق بود؛ ارتشی که پس از جنگ با ایران با دستیابی به انواع سلاح‌های مخرب و دانش نظامی تهدیدی برای غرب به شمار می‌رفت.

با شروع این حمله شورای امنیت دست به کار شد و در همان ساعات اولیه حمله با صدور قطعنامه ۶۶۰ ضمن محکوم کردن این تهاجم، خواستار خروج فوری و بدون قید و شرط عراق از کویت شد. چند روز بعد نیز شورای امنیت با صدور قطعنامه ۶۶۱ ضمن تحریم‌های گسترده، بایکوت کاملی را در روابط تجاری، اقتصادی و مالی عراق ایجاد کرد و توسل به زور را برای مقابله با این کشور را مجاز شمرد. این تحریم‌ها شامل کلیه وسایل حمل و نقل از جمله هوایی می‌شد و عملاً روابط عراق با جهان خارج را قطع می‌کرد.

در چهار ماه اول تهاجم عراق به کویت، شورای امنیت ۱۲ قطعنامه صادر کرد که از لحاظ قاطعیت، تسلسل، سرعت و تأثیرگذاری از تاریخ تأسیس سازمان ملل متحد تا آن زمان بی‌سابقه بوده است؛ که تعداد این قطعنامه‌ها بعدها به ۲۴ قطعنامه رسید. شورای امنیت با صدور قطعنامه ۶۷۸ در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ ضمن مجاز شمردن توسل به زور و

^۱ تاریخ ۲ اوت ۱۹۹۰ تا ۲۸ فوریه ۱۹۹۱

اقدامات قهرآمیز علیه عراق، برای خروج از کویت- که مبنای حمله گسترده نیروهای آمریکا و متحدین به عراق گردید- موضوع خلع سلاح عراق، پرداخت خسارت توسط عراق و... را به عراق تحمیل نمود.

سال ۱۹۹۱ آمریکا و ائتلافی از کشورهای دیگر، به کویت و سپس به عراق حمله کردند و ارتش عراق را از کویت بیرون راندند. پس از خروج عراق از کویت و پایان چشم‌پوشی ایالات متحده از کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق، حکومت صدام حسین مجبور به انهدام سلاح‌های کشتار جمعی خود شد.

عراق در جنگ خلیج فارس موفق نشد از این سلاح‌های شیمیایی استفاده کند ولی پس از شکست در این جنگ براساس توافقنامه آتش‌بس قبول کرد که همه‌ی جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیکی خود را از بین برده و به بازرسان سازمان ملل اجازه بازرسی از پایگاه‌های خود را بدهد. تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق، تا زمانی که تمام شروط توسط عراق اجرا نمی‌شد، باقی می‌ماند.

عراق در ابتدا، بخشی از توان شیمیایی خود را برای استفاده احتمالی علیه ایران، در صورت درگیری مجدد، نگه داشت اما کمی پس از شکست کامل در جنگ خلیج فارس، از ترس تبعات نگهداری سلاح‌های ممنوعه، این سلاح‌ها را منهدم کرد.

مدل مفهومی



نتیجه‌گیری

استفاده از سلاح‌های شیمیایی در طول جنگ هشت‌ساله حکومت عراق علیه جمهوری اسلامی به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای بازدارندگی، مقابله و نیز اهرم فشار بود. سکوت مجامع بین‌المللی و همسوئی قدرت‌های استکبار با سیاست‌های این حکومت بر علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران، باعث تمایل بیشتر این رژیم در استفاده از این مواد مخرب بر علیه نیروهای ایرانی شد به‌گونه‌ای که با ادامه جنگ و در سال‌های پایانی مشاهده می‌کنیم که تنوع مواد شیمیایی استفاده شده توسط عراق و قدرت اثر گذاری آنان بسیار بیشتر و خطرناک‌تر شد. حملات شیمیایی عراق در اوایل جنگ به‌طور آزمایشی، در ادامه جنگ محدود و در نهایت به‌طور گسترده و پُرحجم انجام شد و از سال چهارم جنگ به بعد، علاوه بر مناطق نظامی، مناطق غیرنظامی و شهروندان ایران و کُرد عراق نیز هدف این حملات قرار گرفتند.

با شروع جنگ تحمیلی، حکومت عراق علیرغم حمایت‌های بین‌المللی و توان تسلیحاتی برتر، در پی مقاومت مردم و رزمندگان ایرانی در رسیدن به اهداف اصلی خود ناکام ماند و با کمک گرفتن از کشورهای غربی، استخدام دانشمندان متخصص و صرف هزینه‌های گزاف برای ساخت کارخانه‌های ساخت مواد شیمیایی، به یکی از پلیدترین ترفندهای بازدارندگی در مقابله با توان نظامی حملات ایرانی‌ها رو کرد. از مهر ماه ۱۳۵۹ تا شهریور ماه ۱۳۶۷ بیش از ۵۸۲ بار حمله‌ی شیمیایی آزمایشی، محدود، گسترده‌ی حجیم و فوق گسترده بر علیه رزمندگان و غیرنظامیان ایرانی انجام داد که نتیجه‌ی این حملات بیش از ۱۰ هزار نفر شهید، حدود ۱۰۰ هزار نفر مصدوم شدید و نیازمند مداومت درمان و قریب به ۲۵۰ هزار نفر دچار مصدومیت خفیف بود. در سال‌های نخست جنگ، عراق با تکیه بر موانع طبیعی و سنگرهای مقاوم خود جلوی پیشروی و حملات نیروهای ایران را می‌گرفت. با گذشت عملیات‌های ابتدایی ایرانی‌ها و نقش محوری موانع و سنگرها برای بازدارندگی نیروهای ایرانی، پس از چند عملیات، نیروهای ایرانی شروع به عملیات‌های شبانه، غافلگیری، عبور از مکان‌های صعب‌العبور و رودخانه و... دیگر عراق به سنگرهای ساختگی خود و نقش موانع طبیعی تکیه نکرده و شروع به استفاده از سلاح‌های شیمیایی به‌عنوان عامل بازدارنده کردند. در سال‌های ابتدایی که ایرانی‌ها پیش‌بینی حملات شیمیایی عراقی‌ها را نمی‌کردند آمادگی لازم برای مقابله با این حملات را نداشتند و اثرات منفی

زیادی به دلیل غافلگیری بر رزمندگان ایرانی وارد شد. با افزایش حملات شیمیایی عراق‌ها و توسل بیشتر به این جنگ‌افزارها، ایران جهت مقابله با این حملات برای نیروهای رزمنده خود اقداماتی را تدارک دیده و یگان‌های ویژه سلاح‌های شیمیایی تشکیل شد و آموزش‌های لازم را طی می‌نمودند.

علیرغم وجود توافقنامه‌های بین‌المللی مانند اعلامیه سن‌پترزبورگ، کنوانسیون بروکسل، کنفرانس صلح لاهه، مواد موجود در معاهده ورسای، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو هرگز این قراردادها به‌عنوان عامل قوی و بازدارنده جلوی استفاده از سلاح‌های شیمیایی را نگرفت و کشورهای متخاصم و یا تحت حمایت استکبار در گوشه و کنار جهان فاجعه‌های انسانی را رقم زده‌اند. ایران و عراق هر دو پروتکل ۱۹۲۵ را امضاء کردند اما با وجود رعایت تمام تعهدات از طرف ایران، حکومت عراق به این پروتکل پایبند نبود و هرگز در طول هشت سال جنگ علیه رزمندگان و مردم بی‌گناه ایران، اقدام جدی توسط مجامع بین‌المللی علیه اقدامات این کشور صورت نگرفت. عدم پایبندی عراق به معاهدات بین‌المللی، سکوت جوامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل، ناتوانی دیپلماسی ایران در جهت تحقق مظلومیت خود و اثبات استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی همگی باعث استفاده بیشتر عراق از سلاح‌های مختلف شیمیایی بر علیه ایرانی‌ها شد و تلفات بسیار سنگینی را بر ایران تحمیل کرد.

حکومت عراق در تمام سال‌هایی که از سلاح‌های شیمیایی بر علیه ایرانی‌ها استفاده کرده است از حمایت استکبار برخوردار بود و این حمایت آنان باعث گرایش بیشتر به ادامه تولید و استفاده از این سلاح‌های مخرب می‌شد. در سایر جنگ‌هایی که از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی استفاده شده است در یک‌سو همواره ابرقدرت‌هایی حضور داشتند که به پشتوانه قدرت نظامی، سیاسی و یا تأثیرات و نفوذی که بر مجامع بین‌المللی داشته‌اند بدون پایبندی به تعهدات خود مبنی بر عدم استفاده از این مواد مخرب کشتارهای زیادی را در کشورهای مظلوم و ضعیف‌تر رقم می‌زدند. در دوران دفاع مقدس علیرغم روشنگری‌های ایران در سطح روزنامه‌ها و رسانه‌های بین‌المللی و اثبات مظلومیت ایران، اما ایران همچنان به تعهدات خود در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو پایبند بود و هرگز از این مواد شیمیایی استفاده نکرد چرا که به فرموده امام خمینی علیه‌السلام طبق دستورات دینی تولید این سلاح‌های شیمیایی غیرقابل قبول بود.

پیشنهادات

مظلومیت گسترده مردم غیر نظامی شهرها و روستاها و رزمندگان ایرانی که قربانی سلاح‌های شیمیایی حزب بعث شده‌اند و عمق فجایع این نوع سلاح‌های مخرب نباید هرگز از حافظه تاریخی مردم و رسانه‌ها پاک گردد. باید در راستای روشنگری افکار عمومی مردم جهان نسبت به آثار این سلاح‌ها قدم برداشت تا زمینه‌ای باشد برای صلح جهانی؛ و اگر روزی کشوری رو به استفاده از این سلاح‌ها نموده است، افکار عمومی جهان جلوتر از سازمان‌های بین‌المللی خواستار صلح و توقف استفاده از این سلاح‌ها باشند و دیگر هیچ متخاصمی از ترس افکار عمومی و انزوای جهانی از این سلاح‌های مخرب استفاده ننماید. در این راستا جهت تبیین بهتر مظلومیت قربانیان سلاح‌های شیمیایی در طول دفاع مقدس پیشنهاد می‌گردد تا:

با توجه به مظلومیت مردمان شهرها و روستاهایی که مورد حملات شیمیایی قرار گرفته‌اند، صداوسیما کشور فیلم‌های سینمایی، فیلم کوتاه و فیلم مستند بیشتری جهت بررسی این فجایع ساخته و پخش نماید تا چهره مظلومیت این مردم و خوی وحشی‌گری کشورهای متخاصم نمایان گردد.

فراگیر بودن آسیب‌های حملات شیمیایی در سایر کشورها زمینه‌ای است جهت برگزاری همایش‌های بین‌المللی با حضور نمایندگان سایر کشورها و بررسی آسیب‌ها و مضرات استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط کشورهای استکبار و استفاده از عنصر تبلیغات برای اثرگذاری بر مجامع بین‌المللی اثرگذار و قانونی جهت منع استفاده از این سلاح‌ها.

در تقویم شهرهایی که مورد حمله شیمیایی قرار گرفته‌اند برنامه‌های گرامیداشت و یادواره جهت بزرگداشت شهدای این حملات گنجانده شود. از ظرفیت دانشگاه‌های سراسر کشور جهت فراخوان و استقبال از مقاله‌ها و پژوهش‌هایی با موضوع بررسی سلاح‌های شیمیایی و کاربرد آنان در جنگ‌های مختلف بخصوص جنگ تحمیلی استفاده گردد.

استفاده از ظرفیت هنر بخصوص نمایشگاه‌های عکس، کاریکاتور، دنوخته، یادداشت و... می‌تواند نمایانگر چهره واقعی استفاده‌کنندگان سلاح‌های شیمیایی و بیانگر مظلومیت مردمانی باشد که مورد حمله شیمیایی واقع شده‌اند.

منابع

- ۱- یکتا، حسین (۱۳۸۴)؛ رونوشت شیمیایی تجاوز، بررسی کاربرد تسلیحات شیمیایی از سوی عراق، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال چهارم، شماره ۳۶.
- ۲- فوزی، یحیی (۱۳۷۶)؛ ابعاد به کارگیری سلاح شیمیایی توسط عراق و واکنش مجامع بین‌المللی، تهران، دفتر بررسی‌های سیاسی سازمان تبلیغات اسلامی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین‌الملل، ج اول.
- ۳- تیرمن، کنت آر (۱۳۷۳)؛ سوداگرای مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۴- زمانی، سید قاسم (۱۳۷۶)؛ حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ج اول.
- ۵- دکتر کبریایی زاده، عباس (۱۳۷۷)؛ دکتر سلطانی نژاد، کامبیز؛ عوامل شیمیایی جنگی، نشریه رازی، سال دهم، شماره ۱.
- ۶- پورحسن، نقی (۱۳۷۷)؛ عراق سلاح‌های شیمیایی و جنگ تحمیلی، نشریه سلام، به مناسبت بزرگداشت هفته دفاع مقدس.
- ۷- شریفی مقدم، محمود (۱۳۷۰)؛ سیر تحول جنگ‌افزارهای شیمیایی، مجله شیمی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰، سال چهارم، شماره یکم.
- ۸- علایی، حسین؛ خواجه کاوسی، بابک (۱۳۷۴)؛ صنایع، تسلیحات و خلع سلاح شیمیایی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
- ۹- گوستاواندرسون (۱۳۸۶)؛ جنگ شیمیایی عراق علیه ایران به روایت اسناد سازمان ملل متحد، شهریار خاطری و احمد جنتی محب، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران.
- ۱۰- هدایتی خمینی، عباس (۱۳۷۰)؛ شورای امنیت و جنگ تحمیلی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

- ۱۱- ایزدی، یدالله (۱۳۹۲)؛ روزشمار جنگ ایران و عراق - کتاب پنجاه و چهارم؛ عملیات والفجر ۱۰، بمباران شیمیایی حلبچه، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران.
- ۱۲- علایی، حسین (۱۳۹۱)؛ روند جنگ ایران و عراق، نشر مرز و بوم، چاپ اول، تهران.
- ۱۳- نیکخواه بهرامی، محمدباقر (۱۳۸۹)، گاه‌شمار حملات شیمیایی عراق در هشت سال دفاع مقدس، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس (انتشارات شکیب)؛
- ۱۴- محمدیان، حسین (۱۳۸۰)؛ خاطراتی از بمباران شیمیایی سردشت، انتشارات عابد.
- ۱۵- درودیان، محمد (۱۳۸۱)؛ شلمچه تا حلبچه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۱۶- حلبچه تکرار هیروشیما (۱۳۶۷)؛ فاجعه هیروشیما و حلبچه در آینه مطبوعات، امور هنری بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۱۷- مقدمه‌ای بر شناخت عوامل شیمیایی جنگی، مدیریت ش. م. ر ستاد کل، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷
- ۱۸- مستشاری، مرتضی (۱۳۷۷)؛ نگرش شیمیایی بر جنگ تحمیلی، دانشگاه گیلان.
- ۱۹- مارس، تیموتی (۱۳۸۱)؛ عوامل جنگ شیمیایی، ترجمه غلامرضا پورحیدری و امیرحسین خلجی، تیمورزاده.
- ۲۰- کنوانسیون منع توسعه، تولید، انباشت و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آن‌ها (۱۳۸۲)، مترجم احمد میرزایی، دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- ۲۱- احمدی، کوروش (۱۳۸۴) شورای امنیت سازمان ملل و مساله خلع سلاح عراق، کوروش احمدی، وزارت امور خارجه.
- ۲۲- درودیان، محمد (۱۳۸۴)؛ نقد و بررسی جنگ ایران و عراق (جلد ۴: روند پایان جنگ)، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۳- صفری، جواد و بنی طبا، سیدحسین (۱۳۸۷)؛ سلاح پنهان (مرگ خاموش).
- ۲۴- درودیان، محمد (۱۳۷۸)؛ سیری در جنگ ایران و عراق (جلد ۳: فاو تا شلمچه)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۵- درودیان، محمد (۱۳۷۶)؛ سیری در جنگ ایران و عراق (جلد ۴: شلمچه تا حلبچه)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

- ۲۶- سایت جامع دفاع مقدس - ساجد www.sajed.ir
- ۲۷- پایگاه اطلاع رسانی قربانیان سلاح‌های شیمیایی www.chemical-victims.com
- ۲۸- روز مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی www.tebyan.net

